

بررسی سیر تحولات برنامه درسی تربیت اخلاقی در ایران با تأکید بر دوره عمومی
Investigation the Historical Development of Moral Education Curriculum in
Iran with Emphasis on Public Education

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۰۶/۲۱؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۰۵/۱۹

محمد حسنی^۱

M. Hasani (Ph.D)

Abstract: The aim of this study is to identify the procedures and approaches which have been leading the changes to moral education curriculum. To achieving this goal, documents and resolutions of the supreme Council of Education from the beginning to the present, and the results of some research related to components of moral education curriculum (goal, content, and method) were analysed. Results of the study suggest that the approach to moral education curriculum in the public education system has changed from independent curriculum approach to the Inter-curricula approach.

Keywords: moral education. Moral education curriculum. Public education system.

چکیده: هدف این پژوهش شناخت روندهای حاکم بر تغییرات برنامه درسی تربیت اخلاقی است. برای رسیدن به این هدف اسناد و مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش از بدو تأسیس تا کنون و نتایج برخی تحقیقات مرتبط تحولات مؤلفه‌های برنامه درسی تربیت اخلاقی یعنی هدف، محتوا، روش تحلیل شده است. نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که رویکرد برنامه درسی تربیت اخلاقی در نظام تربیت رسمی و عمومی از رویکرد برنامه درسی مستقل به رویکرد بین برنامه‌ای گرایش پیدا کرده است.

کلیدواژه‌ها: تربیت اخلاقی. برنامه درسی تربیت اخلاقی. نظام تربیت رسمی و عمومی.

مقدمه

نظام تربیت رسمی جدید ایران در دوران قاجار با اقتباس از نظام‌های آموزشی غربی به‌ویژه اروپایی شکل گرفت (رینگر، ترجمه حقیقت خواه، ۱۳۸۵). در راستای آشتی دادن بین سنت و الگوهای مدرن، نظام آموزشی تلاش زیادی را برای هماهنگی و سازگاری با عناصر فرهنگی و اجتماعی کشور داشته است. یکی از محورهای مهم فرهنگی جامعه ایرانی که از ویژگی‌های ممتاز ما به لحاظ تاریخی به شمار می‌رود، توجه به اخلاق است. افلاطون ایرانیان را واجد اوصاف اخلاقی مانند دادگری، دلیری و خویشتن‌داری می‌داند (نقیب زاده، ۱۳۷۲) ادبیات پر بار و غنی فارسی سرشار از آموزه‌ها، پندها و نصیحت‌های اخلاقی است. اخلاق‌گرایانی چون سعدی این ویژگی ادبیات فارسی را به اوج رسانده‌اند (حسین زاده، ۱۳۸۴). دین اسلام توجهات عظیمی به امر اخلاق دارد. پیامبر گرامی اسلام (ص) یکی از مأموریت‌های خود را اتمام مکارم اخلاق بیان کرده است.^۱ بخش قابل توجهی از تعالیم اسلام (قران و حدیث) به اخلاق اختصاص داده شده است؛ لذا آثار روایی درخوری در خصوص اخلاق نیز به رشته تحریر درآمده است مانند: خصال شیخ صدوق، حلیه المتقین مجلسی. حجم چنین آثار و روایات آن‌چنان زیاد است که صاحب‌نظران رویکرد روایی یا نقلی را یکی از رویکردهای اخلاق در منابع اسلامی می‌دانند. (احمدپور و همکاران، ۱۳۸۵) در چنین فضای فرهنگی است که نظام تربیت رسمی و عمومی جدید خود را موظف به توجه به این جنبه از فرهنگ و تمدن ایرانی می‌داند.

به‌طورکلی سامان‌دهی و نظم‌بخشی به این نظام توسط نهادهایی چون انجمن معارف^۲، وزارت معارف^۳ صورت می‌گرفت. آثار توجه به این جنبه مهم فرهنگ این مرز بوم در اسناد اولیه مربوط

۱. انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق. (بحار الانوار، ح ۷. ب ۵۹ ص ۳۷۲ حدیث ۱۸)

۲. البته انجمن معارف یک نهاد خود جوش و مردمی بود که در سال ۱۳۱۵ قمری به اهتمام میزرا محمود خان احتشام السلطنه و گروهی از فرهنگ دوستان تأسیس شده بود (صدیق، ۱۳۵۴: ۳۵۸) بعدها که این انجمن منحل گردید انگیزه‌ای شد تا یک نهاد سیاست‌گذار تربیتی دولتی تشکیل شود. شورای معارف در سال ۱۳۱۹ هجری قمری بنابر دعوت وزیر علوم و معارف تشکیل شد. (کهندانی، ۱۳۸۸: ۲۹) شورای عالی فرهنگ در سال ۱۳۰۰ شمسی و بر اساس قانون مصوب تشکیل گردید (صدیق، ۱۳۵۴) که بعد به شورای عالی آموزش و پرورش تغییر نام یافت.

۳. در سال ۱۲۷۲ قمری وزارت علوم تشکیل شد. بعد از انقلاب مشروطیت این وزارتخانه به «معارف» تغییر عنوان داد. در سال ۱۳۱۷ خورشیدی با تصویب کلمه فرهنگ به‌جای معارف در فرهنگستان ایران، این وزارتخانه «فرهنگ» نامیده شد. در سال ۱۳۴۳ خورشیدی با تصویب قانونی وزارت فرهنگ به دو وزارت «آموزش و پرورش» و «فرهنگ و هنر» تقسیم شد. در سال ۱۳۴۶ خورشیدی وزرات «علوم و آموزش عالی» از وزرات «آموزش و پرورش» جدا گردید. (صافی، ۱۳۸۵: ۳۴)

بررسی سیر تحولات برنامه درسی تربیت اخلاقی در ایران با ...

به نظام تربیت رسمی و عمومی دیده می‌شود. یکی اسناد مهم که در راستای هدایت و تنظیم سازوکارهای نظام تربیت رسمی و عمومی جدید در ایران تدوین شده است قانون اساسی معارف است که در سال ۱۲۹۰ توسط شورای عالی معارف به تصویب رسیده است. در یکی از بندهای این قانون بیان شده است که مدرسه تشکیلاتی است که یکی از کارکردهایش تربیت اخلاقی دانش‌آموزان است. (تارنمای مرکز پژوهش‌های مجلس^۱، تاریخ برداشت، ۹۱/۱۱/۱۶) (کهندانی، ۱۳۸۸: ۴۱)... مصوبات دیگر این نهاد سیاست‌گذار تربیتی (حسینی روح الامینی، ۱۳۸۴) در طول سالیان نشان می‌دهد اخلاق از دغدغه‌های برجسته سیاست‌گذاران تربیت بوده است. بر این اساس می‌توان چنین استنباط کرد که در نگاه سیاست‌گذاران تربیتی از آغاز یکی از مأموریت‌های مدرسه و به طور کلی نظام تربیت رسمی و عمومی تربیت اخلاقی دانش‌آموزان بوده است.

مدرسه خود به مثابه مجموعه‌ای از اجزاء و مؤلفه‌ها در امر تربیت اخلاقی دانش‌آموزان تأثیر دارد. یکی از مؤلفه‌های مهم و اساسی مدرسه برنامه درسی است^۲. برنامه درسی در واقع مجموعه از تجارب ارزشمندی است که توسط برنامه ریزان سامان‌دهی شده است که با کسب این تجارب دانش‌آموزان به اهداف نظام تربیت رسمی و عمومی دسترسی پیدا کنند. عمدتاً و به طور سنتی نمود و جلوه عینی برنامه درسی در مدرسه و کلاس در قالب کتاب‌های درسی که مورد تدریس واقع می‌شود، به نمایش در می‌آید. کتاب‌های درسی محملی برای درگیری دانش‌آموزان با مفاهیم و موضوعات ارزشی و اخلاقی کسب تجارب یادگیری در ساحت اخلاق است.

هر گونه تلاش برای بهبود جریان تربیت اخلاقی در نظام تربیت رسمی و عمومی به مثابه یک نیاز ضروری و حیاتی در عصر حاضر کشور ما، نیازمند شناخت چگونگی تحولات حاکم بر آن است. بدون شناخت سابقه و تاریخ شکل‌گیری یک پدیده، آن پدیده به خوبی و عمیق فهم نمی‌شود. این قاعده در مورد پدیده‌های تربیت نیز صادق است. میالاره (ترجمه کاردان ۱۳۷۰) به

۱. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/90163>

۲. برخی تعاریف در مورد برنامه درسی، تمامی تجارب تربیتی مدرسه را ذیل مفهوم برنامه درسی قرار می‌دهند. اما در اینجا فعالیت‌ها و اقدامات امور تربیتی در این بحث قرار نمی‌گیرد. همچنین برخی فعالیت‌ها مانند طرح کرامت را نیز از شمول این بحث خارج دیده شده است. این موارد بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد.

نقل از اگوست کنت^۱ اعتقاد دارد که هر فرایندی را تنها از طریق بررسی تاریخ تحولات آن می‌توان شناخت. در جریان تبیین نظام‌ها و روش‌های تربیت هرگاه از ابعاد تاریخی آن غفلت گردد با شکست روبرو خواهد شد. لذا با شناخت نشیب و فرازهای گذشته یک رویداد تربیتی وضع کنونی آن را بهتر، روشن‌تر و معقول‌تر می‌توان شناخت. براین اساس پرسشی که این مقاله به آن می‌پردازد این است که تحولات و روند تغییرات حاکم بر برنامه درسی تربیت اخلاقی از آغاز تشکیل نظام تربیت رسمی و عمومی در ایران چگونه است؟

مصوبات شورای عالی معارف از جمله اسنادی است که می‌تواند منبع مناسبی برای شناخت و فهم چگونگی تحولات در نظام تربیت رسمی و عمومی کشور باشد. لذا در راستای شناخت سابقه برنامه درسی تربیت اخلاقی در نظام تربیت رسمی و عمومی ایران از این اسناد بهره گرفته می‌شود.^۲ به‌طورکلی، اگرچه تعبیر و تعریف کامل و دقیقی (به معنای امروزی آن) از مفهوم برنامه درسی تربیت اخلاقی در اسناد اولیه شورا به چشم نمی‌خورد؛ اما برخی عناصر و مؤلفه‌های برنامه‌های درسی تربیت اخلاقی به‌صورت صریح و مستقیم و برخی نیز به‌صورت ضمنی و غیرمستقیم در اسناد دیده می‌شود و مصوباتی ناظر بر وجود برنامه تربیت اخلاقی در اسناد مصوب کم و بیش دیده می‌شود. از جمله این مؤلفه‌ها می‌توان به هدف، محتوا، روش، مواد و موضوعات درسی و ارزشیابی تحصیلی^۳ دانش‌آموزان اشاره کرد.

روش تحلیل این اسناد به این صورت است که ابتدا مقولات ناظر به عناصر برنامه درسی مانند هدف، ماده درسی، محتوا، روش تدریس و روش ارزشیابی به‌عنوان مقولات تحلیل در اسناد رصد شده و مواد و جملات آیین‌نامه‌ها و مصوبات ناظر به هریک از این مفاهیم انتخاب و ذیل مقوله مورد نظر قرار گرفته‌اند. در شناسایی موارد مرتبط با مقولات تحلیل در دو شکل ارتباط مستقیم و غیرمستقیم مورد توجه واقع شده است. و سپس داده‌های حاصل ذیل هریک از مقوله‌های تحلیل جمع‌بندی و تحلیل گردیده است. عنصر زمان از طریق تنظیم و ایجاد ترتیب زمانی در موارد شناسایی شده ذیل هر مقوله وارد جریان تحلیل شده است.

۱. Comte, Auguste. 1798-1857

۲. توضیح این نکته لازم است که اسناد مورد بررسی محدود به دوره دبستان بوده و از منبع «سیر تحول برنامه‌های درسی دوره ابتدایی و راهنمایی تحصیلی در ایران» استفاده شده است.

۳. مؤلفه اخیر یعنی ارزشیابی تحصیلی طبق سنت رایج شورا طی مصوبات مستقلاً اعلام و ابلاغ می‌شده است. این مصوبات تمامی مواد درسی را شامل می‌شده است.

هدف برنامه درسی تربیت اخلاقی

هدف یک برنامه در واقع آن چیزی است که بعد از تحقق فرایند تربیت جستجو می‌شود؛ یعنی در پاسخ به این پرسش «دانش آموزان باید به چه دست یابند؟» (نیکل، ترجمه دهقان ۱۳۷۷) هدف تولید می‌شود یعنی وقتی وسایل و تمهیدات تربیتی اندیشیده شده عملی و اجرا شد می‌بایست هدف محقق گردد. به سخن دیگر هدف ناظر به وضعیت‌های نهایی مطلوب در متر بیان است. اهداف در سطوح مختلف مانند غایی، و خاص و آرمانی و عینی و مانند این‌ها صورت‌بندی می‌شود. (ارنشتاین، هانکینز، ترجمه احقر ۱۳۸۴) برنامه‌های درسی مستقیماً بیشتر با اهداف کلی و پایین‌تر سروکار دارند. اهداف کلی عمدتاً به صورتی بیان شده‌اند که به حوزه مشخصی از موضوعات برنامه درسی مرتبط نمی‌شود و به صورت اهداف کلان نظام یا اهداف دوره تحصیلی بیان می‌شود. جستجوی هدف در میان متون مصوب و اسناد شورای عالی آن‌چنان پیچیده نیست زیرا این عنصر از عناصر برنامه همیشه با عنوان مشخص هدف متمایز می‌گردد. از مجموعه مصوبات شورای عالی هفت مصوبه در خصوص تعیین اهداف در دوره ابتدایی و راهنمایی دیده می‌شود؛ که عبارت‌اند از:

۱- قانون اساسی معارف مصوب نهم آبان ماه ۱۲۹۰ هجری شمسی دارای ۲۸ ماده است. در ماده اول این قانون چنین آمده است: «مکتب و مدرسه عبارت است تأسیساتی که برای تربیت اخلاقی و علمی و بدنی ابناء نوع دائر می‌گردد» (تارنمای مرکز پژوهش‌های مجلس^۱، تاریخ برداشت، ۹۱/۱۱/۱۶) (کهندانی، ۱۳۸۸) در این هدف مشخص است که در آغازین سال‌های عمر این نظام و زمانی که سیاست‌گذاران مشغول ساماندهی به نظام جدید تربیت رسمی و عمومی بودند در ذهن این سیاست‌گذاران چنین بود که مدرسه موسسه‌ای است برای تربیت اخلاقی.

۲- هدف دوره ابتدایی مصوبه جلسه ۲۷ شورای عالی معارف هفتم جوزای ۱۳۰۲ (حسینی روح الامینی، ۱۳۸۴) در این مصوبه اشاره مستقیمی به هدف تربیت اخلاقی نشده است. اما برخی مفاهیم در زمره اهداف ذکر شده‌اند که در حوزه ارزش‌های اخلاقی قرار می‌گیرند مانند نوع دوستی خانواده دوستی، علاقه‌مندی به وظایف انسانی. این اصطلاحات و مفاهیم اخلاقی حاکی از آن است که سیاست‌گذاران آن دوره به صورت ضمنی بر آموزه‌های اخلاقی به مثابه هدف توجه کرده‌اند.

1. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/90163>

۳- اهداف دوره ابتدایی مصوبه جلسه ۳۵۹ شورای عالی معارف ۱۳۱۶ شمسی در بند چهارم این مصوبه با محوریت اخلاق چنین آمده است: «آنکه اطفال با اخلاق نیک و صفات پسندیده آراسته شوند و دوستدار میهن و شاهنشاه باشند. بر آموزگار فرض است که در تعلیمات اخلاقی تنها به پند و نصیحت اکتفا نکند بلکه رفتار خود را سرمشق اخلاقی کودکان قرار دهد» (همان منبع، ۱۳۸۴)

۴- اهداف دوره ابتدایی مصوبه ۴۲۰ شورای عالی فرهنگ سال ۱۳۱۹ شمسی در این مصوبه دو هدف کلان برای دوره ابتدایی در نظر گرفته شده است که در هدف نخست آن چنین اشاره‌ای به اخلاق شده است: «... پرورش کودک است به نحوی که دارای بنیه سالم، اخلاق پسندیده، عادات نیک، قضاوت صحیح و نظم و ترتیب در فکر و بیان باشد.» (همان منبع، ۱۳۸۴)

در توضیحات این اهداف این نکته بیان شده است که «در سال پنجم و ششم مقدمات مطالب علمی و اخلاقی تعلیم می‌شود» به ظاهر مراد سیاست‌گذار این بوده است که تعلیمات اخلاقی به پایه‌های پنجم و ششم موكول شود. اما وقتی جدول مواد درسی مصوب همین سال‌ها (مصوبه جلسه ۴۲۰ شورای عالی فرهنگ سال ۱۳۱۹) بررسی می‌شود ملاحظه می‌گردد که درس اخلاق در تمامی پایه‌ها از اول تا ششم پیش‌بینی شده است.

۵- اهداف دوره ابتدایی مصوبه ۱۰۴۲ شورای عالی فرهنگ سال ۱۳۴۱ (همان منبع، ۱۳۸۴).

در بند ب این مصوبه چنین آمده است «تربیت دینی و هدایت ملکات اخلاقی کودک و بیدار کردن حس مسئولیت اجتماعی از راه توجه دادن به این‌که مراعات عادات پسندیده از قبیل ادب، دقت، همکاری با دیگران، پاکیزگی و اطاعت از والدین و احترام به هم نوع و نظایر آن‌ها برای زندگی بهتر ضرورت دارد» در این مصوبه از دو هدف کلان یک مورد به اخلاق اختصاص یافته است این نشان می‌دهد که سیاست‌گذار به تربیت اخلاقی در مراحل اولیه تحصیلات اهمیت بسیاری می‌داده است ضمناً عبارت نقل‌شده نشان می‌دهد که: نخست که تربیت دینی و اخلاقی توأم دیده شده است. دوم این‌که از مفهوم «هدایت» و «بیدارکردن حس مسئولیت» استفاده شده است که نشان می‌دهد از دیدگاه سنتی القاء و تلقین مفاهیم اخلاقی دور شده‌اند. سوم این‌که به‌نوعی دیدگاه پیامد‌گرایی در تربیت ارزشی اشاره شده است. سیاست‌گذار در نظر داشته است که برای «توجیه» ارزش‌های اخلاقی از ضرورت وجود آن‌ها در بهبود زندگی بهره گرفته شود. همه این سه مورد اشاره در بالا، دلالت بر وجود یک نگاه متفاوت نسبت به تربیت اخلاقی دارد.

بررسی سیر تحولات برنامه درسی تربیت اخلاقی در ایران با ...

اما این که تا چه حد این سیاست‌های کلان در برنامه‌های درسی عملیاتی شده است خود مسأله دیگری است که باید مورد واکنی قرار گیرد.

۶- در مجموعه اهداف کلی تعلیم تربیت اسلامی که در طرح «کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران^۱» آمده است بخشی با عنوان اهداف اخلاقی وجود دارد که محتوا و اجزای آن به این شرح است:

- ایجاد زمینه لازم برای خود شناسی به منظور خداشناسی؛
 - شناخت و پرورش و هدایت استعداد های افراد در جهت اعتلای فرد و جامعه؛
 - تزکیه و تهذیب نفوس و رشد فضایل و مکارم اخلاقی بر اساس ایمان به خدا و تقوای اسلامی؛
 - پرورش روحیه تعبد آگاهانه، یاد خدا و التزام عملی به احکام و آداب اسلامی؛ پرورش روحیه اعتماد به نفس و استقلال شخصیت و نفی اتکا به دیگران؛
 - تقویت احساس کرامت اخلاقی و برانگیختن عزت نفس؛
 - تعدیل عواطف؛
 - پرورش روحیه نظم و انضباط
- این اهداف به صورت کلی مطرح شده است و در بخش دیگری از این سند اهداف دوره‌های تعریف شده (اساس، ارکان، ارشاد، متوسطه فراگیر) نیز بیان شده است. در این بخش از بیان اهداف، طبقه‌بندی صورت نگرفته و فهرستی از اهداف ذکر شده است در این فهرست اشاراتی به اهداف اخلاقی یا مضامین اخلاقی شده است. از جمله در اهداف مرحله اساس به این موارد اشاره شده است:

- ایجاد روحیه همکاری با دیگران و مشارکت در فعالیت‌های جمعی
- ایجاد روحیه احترام به قانون و مقررات و نظم و مسئولیت‌پذیری
- ایجاد روحیه احساس احترام به دیگران به ویژه والدین معلمان، دوستان و همگنان

۱. این طرح مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی که توسط شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش در سال ۱۳۶۷ تصویب و منتشر شده است. در واقع این طرح اولین گام جمهوری اسلامی ایران برای اصلاح بنیادی نظام آموزش و پرورش است. هرچند این طرح به جز بخش نظام متوسطه آن اعمال نگردید اما جزئیات آن می‌تواند منبع خوبی برای شناخت درک و فهم سیاست‌گذاران از مسائل آموزش و پرورش در آن زمان باشد.

- و در اهداف دوره ارکان به این موارد توجه شده است:
 - تقویت فضایل اخلاقی
 - تقویت روحیه تعاون و همکاری در فعالیت‌های گروهی، رعایت احترام به حقوق دیگران
 - تقویت حس اعتماد و اتکا به نفس و استقلال شخصیت
- و در مجموعه اهداف دوره ارشاد (متوسطه اول) نیز به چند هدف با مضامین اخلاقی عنایت شده است:

فراهم ساختن زمینه عملی برای انجام فرایض عبادی و رعایت ضوابط اخلاقی توسط دانش‌آموز و التزام عملی به آن‌ها

تقویت روحیه تعاون و مسئولیت‌پذیری

۷- اهداف دوره ابتدایی و راهنمایی مصوب جلسه ۴۷ شورای عالی آموزش و پرورش ۱۳۷۹ در این مصوبه اهداف به تفکیک ابتدایی و راهنمایی هشت مؤلفه (اعتقادی، اخلاقی، علمی و آموزشی، فرهنگی هنری، اجتماعی، زیستی، سیاسی و اقتصادی) بخش شده است که برای هر یک از این مؤلفه اهداف فردی تعریف شده است مثلاً در مؤلفه اهداف اخلاقی بیست و یک هدف خرد فهرست شده است مانند:

- راست‌گو و امین است؛
- مؤدب و مهربان است؛
- شجاع و صبور است؛
- و ...

هم‌چنین در مصوبه مربوط به اهداف تربیت در دوره راهنمایی شورای عالی آموزش و پرورش ذیل مؤلفه اهداف اخلاقی است و سه هدف جزئی فهرست شده‌اند که تا حد زیادی با اهداف دوره ابتدایی همپوشانی دارد.

در مجموع و با بررسی اجمالی این ۷ مصوبه و سند در طول هشتاد سال گذشته تربیت اخلاقی در دوره‌های ۱۳۱۶ و ۱۳۴۱ و ۱۳۶۷ و ۱۳۷۹ به صورت یک بخش مستقل در نظر گرفته شده است. این امر نشان می‌دهد که در این دوره‌ها تربیت اخلاقی یا رشد و تعالی ساحت اخلاقی متریبان برای سیاست‌گذار امر اساسی و مهم بوده است چنانکه شایستگی بیان به صورت یک هدف مستقل را داشته است.

بررسی سیر تحولات برنامه درسی تربیت اخلاقی در ایران با ...

بررسی و تحلیل اهداف ذکر شده نشان می‌دهد که اهداف تربیت اخلاقی از دهه چهلیم شمسی به‌ویژه در دوره بعد از انقلاب رنگ دینی یافته و گاه با هم ترکیب شده‌اند. این نشان می‌دهد که تربیت دینی در این دوره اعم از تربیت اخلاقی بوده وزیر مجموعه آن قرار گرفته است. هم چنین رویکرد تدوین و نگارش اهداف تربیت اخلاقی در دوره اخیر به زبان رفتارگرایی نزدیک شده است. منظور این نیست که اهداف تربیت اخلاقی به سبک اهداف رفتاری تمام عیار نوشته شده است. اما تأملی در فهرست اهداف اخیر نشان می‌دهد که جملات ناظر به هدف به سمت عینیت و جزیی شدن و مشخص بودن رفته است که از این ویژگی‌های رویکرد رفتارگرایی در هدف نویسی است.

ماده درسی تربیت اخلاقی

به طور سنتی برنامه‌های مدرسه شامل تعدادی عناصر و اجزای مستقل و هماهنگ است؛ مانند زبان مادری، ریاضی، تربیت بدنی و مانند این‌هاست که به آن‌ها ماده درسی یا موضوع درسی^۱ می‌گویند که هر یک به‌طور مستقل و مجزا دارای اهداف، محتوا روش‌های تدریس، مواد آموزشی و کتاب درسی هستند. (قورچیان، ۲۰۰۰) بر این اساس تجارب یادگیری دانش آموزان در بسته‌های تعریف شده‌ای با اجزا و عناصر خاص با عنوان درسی در جدول زمانی دروس دانش آموزان ظاهر می‌شود. با توجه به این معنا از ماده درسی نظام تربیت رسمی و عمومی برای رشد اخلاقی و تحقق اهداف اخلاقی خود، تجارب ناظر به اهداف را با چه چهارچوبی برای دانش آموزان فراهم می‌کند؟ آیا این تجارب در یک چهارچوب مشخص و متمایز تعریف شده است یا این‌که بدون چهارچوب و منتشر در بخش‌های مختلف و مواد دیگر است. در برخی از کشورها ماده درسی ویژه‌ای برای اخلاق در نظر گرفته شده است به‌گونه‌ای که اهداف تربیت اخلاقی در یک ماده درسی سامان داده شده و ارائه می‌شود. تجارب کشورهایی مانند ژاپن و کره جنوبی و چین نشان از چنین رویکردی دارد. (حسینی و همکاران، ۱۳۹۱) اساساً کشورهایی که دارای سنت و فرهنگ با اقتدار ریشه‌دار هستند بیشتر در تربیت ارزشی به تربیت اخلاقی متمرکز می‌شوند. در حالی که کشورهای دارای مذهب ریشه‌دار و سازمان‌یافته‌ای هستند مانند کشورهای

۱. Subject matter

2. Ghourchian

اسلامی و برخی کشورهای اروپای غربی بر روی تربیت دینی و مذهبی خاص متمرکز می‌شوند. (چا^۱ و همکاران به نقل از پوکا، ۲۰۰۵) باید دید که آیا این روال در نظام تربیت رسمی و عمومی ایران نیز سابقه داشته است. جستجوی پاسخ این پرسش که آیا در طول حیات شورای عالی آموزش و پرورش ماده درسی خاصی برای تربیت اخلاقی در نظر گرفته شده است محور این بخش از مقاله است. لذا در ادامه بحث به بررسی اسناد از این منظر می‌پردازیم.

در مصوبات جلسات ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰ و ۳۱ شورای عالی معارف سال ۱۳۰۲ شمسی با عنوان «دستور تحصیلات ابتدایی» جدول مواد درسی چهار پایه دبستان تعریف شده است. طبق این جدول در هر چهار پایه دبستان درس مستقلی به نام اخلاق وجود دارد؛ که در برنامه تفصیلی آن‌هم محتوایی برای ارائه در کلاس درس برای معلم تعریف و تصویب شده است.

هم‌چنین به همین شکل در مصوبه شماره ۴ شورای عالی معارف سال ۱۳۰۳ شمسی برای شش سال دوره ابتدایی جدول مواد درسی و برنامه تفصیلی تصویب شده است. در این جدول نیز برای هر شش پایه دوره دبستان در کنار دو ماده درسی قرآن و شرعیات، ماده درسی به نام اخلاق دیده می‌شود. در این مصوبه نیز برنامه تفصیلی مطابق مصوبه قبل تعریف شده است.

در مصوبه جلسه ۸۶ شورای عالی معارف سال ۱۳۰۶ با عنوان «اصلاح پروگرام مدارس ابتدایی» تغییری در رویکرد قبلی به چشم می‌خورد. تغییر به این صورت است که درس اخلاق در پایه‌های اول، دوم، سوم و چهارم جزو قرائت فارسی محسوب شده ولی در کلاس‌های پنجم و ششم به‌عنوان درس مستقلی در نظر گرفته شده است مصوبه جلسه ۳۵۹ شورای عالی معارف سال ۱۳۱۶ با عنوان: «جدول برنامه‌های درسی تحصیلات ابتدایی» به همان سیاق سال ۱۳۰۶ اخلاق به‌عنوان درس مستقلی در پایه پنجم و ششم دبستان ملاحظه می‌شود و برای سایر پایه به‌عنوان متون ضمیمه درس قرائت فارسی در نظر گرفته شده است.

در مصوبه جلسه ۴۲۰ شورای عالی فرهنگ سال ۱۳۱۹ با عنوان جدول تحصیلات ابتدایی برگشتی به رویه سابق دیده می‌شود به این صورت که درس اخلاق در فهرست مواد درسی هر شش پایه دوره دبستان لحاظ شده است.

۱. Cha

۲. Poukka, p.

بررسی سیر تحولات برنامه درسی تربیت اخلاقی در ایران با ...

حدود شش سال بعد یعنی سال ۱۳۲۵ مصوبه‌ای در جلسه ۶۰۰ شورای عالی فرهنگ به تصویب رسیده است که عنوانش «برنامه تعلیمات دینی در چهار سال ابتدایی» است در این برنامه تفصیلی بخشی با عنوان «اخلاق» وجود دارد که مضامین اخلاقی برای هر پایه بیان شده است. همین رویه در مصوبه ۶۵۲ شورای عالی در سال ۱۳۲۷ نیز مشاهده می‌شود که در آن برنامه تفصیلی تعلیمات دینی دوره ابتدایی بازنگری و تصویب شده است در این بازنگری دوباره همان بحث‌های اخلاقی به‌عنوان یک بخش متمایز دیده شده است.

جدول تقسیم ساعات درسی در پایه‌های اول تا چهارم دبستان که در جلسه ۶۹۹ شورای عالی فرهنگ سال ۱۳۲۸ تصویب شده است نیز وجود این رویکرد را تأیید می‌کند که درس اخلاق استقلال خود را از دست داده و به مجموعه مباحث دینی پیوسته است. عنوان درس جدید «تعلیمات دینی و اخلاقی» است. این روند تا سال ۱۳۳۴ ادامه داشته است. اما در این سال مصوبه جلسه ۸۹۲ شورای عالی فرهنگ سال ۱۳۳۴ با عنوان «جدول ساعات دروس هفتگی کلاس‌های پنجم و ششم» تغییری به چشم می‌خورد. این جدول نشان می‌دهد که اخلاق با درس فارسی ترکیب شده است. یعنی همان رویکردی که در سال ۱۳۰۶ در پایه‌های اول تا چهارم دوره ابتدایی وجود داشت مجدداً احیاء شده است اما شواهد کامل‌تری در دست نیست. عنوان درسی با نام «زبان فارسی و اخلاق» ناظر به ترکیب این دو ماده درسی است.^۱

در سال ۱۳۴۱ شورای عالی فرهنگ مواد برنامه طرح تعلیمات ابتدایی را در جلسه ۱۰۴۱ و در سال ۱۳۴۲ برنامه تفصیلی چهارسال اول ابتدایی تصویب کرده است. از محتوای این دو مصوبه برمی‌آید که اخلاق به‌عنوان یک موضوع درسی از زیر چتر درس فارسی بیرون آورده شده است و مجدداً تعلیمات دینی الحاق شده است و با عنوان «تعلیمات دینی و تربیت اخلاقی» در جدول دروس قرار گرفته است. برنامه تفصیلی این درس در پایه‌های اول تا چهارم دبستان بخشی را با عنوان «تلقین اخلاقیات و دستورهای دینی» در خود جای داده است. برخی شواهد پژوهشی این جدایی را تأیید می‌نماید. رامین فرد (۱۳۵۲) بر اساس تحلیل محتوای کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی از سال ۱۳۰۸ تا زمان انجام پژوهش (یعنی سال ۱۳۵۲)، به این نتیجه رسیده

۱. البته مشخص نیست که آیا فقط در جدول در کنار هم قرار گرفته‌اند یا در ارائه محتوا هم به صورت یک واحد درسی تلفیق یافته ارائه شده است؟ یا پرسش نیازمند بررسی عمیق‌تری است که در حوصله این مقال نمی‌گنجد.

است که این کتاب‌ها با هدف عمده القای ارزش‌های دینی و اخلاقی تدوین شده‌اند. در کتاب‌های اولیه فارسی تا سال ۱۳۴۵ ارزش‌های اخلاقی به مقیاس بسیار وسیع دیده می‌شوند؛ اما در مرحله دوم یعنی از سال ۱۳۴۵ بعد ارزش‌های سیاسی و اقتصادی جایگاه بیشتری در متون فارسی پیدا می‌کند و جایگاه ارزش‌های اخلاقی به‌شدت نزول می‌کند.

مصوبه جلسه ۱۸۸ شورای عالی سال ۱۳۵۹ با عنوان جدول مواد امتحانی پایه‌های اجتماعی دوره پنج‌ساله ابتدایی عنوان اخلاق به درس قرآن و تعلیمات دینی الحاق شده است. در مصوبه ۴۸۹ شورای عالی در سال ۱۳۶۸ با عنوان «جدول مواد درسی در هر پایه تحصیلی و نوع امتحان هر درس» از عنوان اخلاق در مجموعه عناوین مواد درسی هیچ خبری نیست و عنوان اخلاق به طور کلی از عناوین مواد درسی حذف شده است.

مصوبه جلسه ۱۰۳ شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۵۱/۱۱/۴ با عنوان «جدول مواد درسی امتحانات دوره راهنمایی و هم‌چنین مصوبه جلسه ۱۳۹ شورا مورخ ۵۳/۹/۲۴ با عنوان «جدول مواد درسی دوره سه ساله راهنمایی تحصیلی» نشان می‌دهد که موضوع اخلاق در دوره راهنمایی به درس تعلیمات اجتماعی الحاق شده است. یعنی در دوره تحصیلی راهنمایی از زیر چتر درس تعلیمات دینی خارج شده است و به درس اجتماعی پیوسته است.

مصوبات بعدی شورا که بعد از انقلاب اسلامی بوده است مانند مصوبه جلسه ۴۱۹ مورخ ۶۶/۶/۱۱ و ۴۶۷ و مورخ ۶۷/۸/۱۹ و جلسه ۴۹۲ مورخ ۶۸/۶/۱۳ که جدول مواد درسی و ساعات تدریس و نوع امتحان دوره راهنمایی را تعریف کرده است کلمه اخلاق در کنار هیچ درسی وجود ندارد یعنی نه در کنار قرآن و تعلیمات دینی است و نه در کنار علوم اجتماعی و نه فارسی.

تغییرات و تحولات پر فراز و نشیب ماده درسی اخلاق نشان می‌دهد که وجود ماده درسی مستقل در تربیت اخلاقی در سال‌های اولیه مورد اقبال سیاست‌گذاران نظام آموزشی بوده است و سال‌ها این رویکرد حاکمیت داشته است (با این توضیح که در سال‌های ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۹ در چهار پایه اول ابتدایی محتوای تعریف شده برای این ماده درسی ماده درسی قرائت فارسی قرار گرفته است). این روند تا سال ۱۳۲۵ ادامه داشته است. یعنی تصمیم‌گیرندگان محتوایی برای ماده درسی اخلاق تعریف می‌کردند و یا با عنوان مشخص و مستقل ارائه می‌شده است یا تصمیم گرفته می‌شده است که محتوای در ماده درسی مانند قرائت فارسی ارائه شود. اما از این تاریخ

بررسی سیر تحولات برنامه درسی تربیت اخلاقی در ایران با ...

به بعد برنامه درسی تربیت اخلاقی به‌عنوان یک ماده درسی مستقل کنار گذاشته شده است و این درس به درس دینی الحاق شده است. یعنی ماده درسی متمایزی به نام اخلاق در مصوبات دیده نمی‌شود؛ و در محتوای درس دینی برخی مضامین اخلاقی در نظر گرفته شده است. اما از سال ۱۳۳۴ رویکرد سیاست‌گذاران نسبت به این درس تغییر کرده و این ماده درسی به درس فارسی الحاق شده است رویکرد تلفیق ماده درسی اخلاق (به‌ویژه محتوای آن) با دروس دیگر از این تاریخ به بعد رویکردی پذیرفته شده در نظام آموزشی به نظر می‌آید. اما این ماده درسی بین درس‌های فارسی و دینی و حتی تعلیمات اجتماعی است به دست گشته است. در سال ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ ماده درسی اخلاق به درس دینی الحاق شده است و این روند تا اوایل انقلاب یعنی سال ۱۳۶۲ ادامه داشته است. اما مصوبات اواخر دهه شصت در مورد دروس دوره ابتدایی و دوره راهنمایی نشان می‌دهد که حتی عنوان اخلاق از عناوین مواد درسی حذف شده است و هیچ‌یک از عناوین قبلی که با اخلاق خویشاوندی داشته است مانند دینی، فارسی، تعلیمات اجتماعی در عنوان خود کلمه اخلاق را با خود به همراه ندارد البته این بدان معنا نیست که محتوای اخلاقی (مضامین اخلاقی تعریف‌شده) از مواد درسی مختلف حذف شده است و محتوای این مواد درسی نسبت به ارزش‌های اخلاقی بی‌تفاوت بوده است. این موضوع در شواهد پژوهشی قبل دیده‌شده است. محمودی (۱۳۷۳) در تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی به این نتیجه رسیده است که مفاهیم اخلاقی، اجتماعی، و فرهنگی بیشترین فراوانی را در کتاب‌های فارسی دارد. اسماعیلی (۱۳۷۸) نیز به نتایج مشابهی رسیده است. درس دینی نیز خود اساساً درس ارزش‌مدار بوده ارزش‌های اخلاقی در آن بسیار به چشم می‌خورد. همچنین در پژوهش‌های (اقبال ۱۳۶۲) و (جمالی زاده ۱۳۸۵) نشان داده‌شده است که در مجموع ارزش‌های بسیاری در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی وجود دارد مانند: ارزش علم، حق و عدالت، مبارزه با ستمگری، مهربانی، احترام و فروتنی که ارزش‌های اخلاقی شمرده می‌شوند.

حکیم زاده و موسوی (۱۳۸۷) در بررسی و تحلیل محتوای کتاب‌های دینی دوره راهنمایی به این نتیجه رسیده‌اند که در این کتاب‌ها ارزش‌های اخلاقی به میزان ده درصد در مقایسه با ارزش‌های دیگر مانند ارزش‌های اعتقادی، ارزش‌های اقتصادی، ارزش‌های عبادی و ارزش‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته‌اند. بررسی راهنمای برنامه تربیت اسلامی دوره ابتدایی مصوب جلسه ۷۳۵ مورخ ۸۵/۴/۲۷ نشان می‌دهد که یک هدف (یک هدف شناختی، یک هدف مهارتی،

یک هدف گرایشی) از مجموعه اهداف این برنامه به تربیت اخلاقی اختصاص داده شده است. در جدول وسعت و توالی مفاهیم نیز برخی مفاهیم اخلاقی راست‌گویی، احترام به والدین، استفاده درست از طبیعت و... آمده است. اما به هر حال حذف اخلاق از عنوان‌های مواد درسی می‌تواند زمینه برداشت‌ها و تفسیرهای منفی و بدبینانه را از این جریان تشدید نماید. حتی آثاری بر روند تربیت اخلاقی به صورت انضمامی و تلفیقی با کتاب درسی دیگر از جمله دینی داشته باشد از سوی دیگر، محدود شدن تربیت اخلاقی به تربیت دینی می‌تواند این مشکل را ایجاد کند که اخلاق که از بنیان‌های دین به‌ویژه دین مبین اسلام است در فشار تبیین و تشریح بخش‌های دیگری چون اعتقادات و احکام و مناسک قرار گیرد. شعبانی در مطالعه خود به این نتیجه رسیده است که در کشورهای اسلامی به دلیل وجود ماده درسی تعلیمات دینی عمدتاً اخلاق کمتر مورد توجه واقع شد است. (شعبانی، ۱۳۸۴) نژاد شفیعی (۱۳۸۹) در پژوهش خود نشان داد که در محتوای کتاب‌های دین و زندگی دوره متوسطه بیشتر به مبانی و اصول دین توجه شده است.

محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی

در هر برنامه درسی کم و بیش ضرورت دارد که مشخص شود که چه چیزی را باید به دانش آموزان یاد داد. این «چه چیز» همان محتوا است. به عبارت دیگر محتوا یکی از عناصر برنامه درسی است که دارای مؤلفه‌های دانشی، مهارتی، فرایندها و نگرش‌هایی است که انتخاب شده و سازماندهی می‌شود و از طریق تجربیات یادگیری به دانش آموزان ارائه می‌شود. صرف نظر از اختلاف نظر متخصصان در خصوص بود و نبود محتوا در برنامه درسی و میزان اهمیت آن، هر ماده درسی واجد محتوایی است که دانش آموزان با آن درگیر می‌شوند و یاد می‌گیرند. محتوای تربیت اخلاقی یعنی آن چیزی که اخلاقاً خوب، درست و فضیلت است (سانگر^۱ و اُسگاتورپ^۲، ۲۰۰۵). شواهد نشان می‌دهد که محتوای دروس از دغدغه‌های مهم سیاست‌گذاران شورای عالی آموزش و پرورش از آغاز تا کنون بوده است. در زمینه اخلاق هم مصوبات نخستین شورا در

۱. M. sanger

۲. R. Osguthorpe

بررسی سیر تحولات برنامه درسی تربیت اخلاقی در ایران با ...

سال‌های آغازین فعالیتش نشان می‌دهد که محتوای اخلاقی یا به عبارت مورد استفاده در مصوبات شورا «برنامه تفصیلی» از محورهای مورد عنایت بوده است.

در مصوبه جلسات ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰ و ۳۱ شورای عالی در سال ۱۳۰۲ با عنوان «دستور تحصیلات دوره ابتدایی» در تمامی پایه ذیل عنوان «اخلاق» موضوعات و مفاهیمی را فهرست کرده است. مصوبات بعدی شورا در سال ۱۳۰۳ جلسه ۴ و جلسه ۱۰ سال ۱۳۱۳ به تکرار همین مضامین بسنده کرده است و تنها برای سال پنجم و ششم برنامه تفصیلی تنظیم کرده است برخی از محتواهای انتخاب شده در این برنامه به شرح زیر است:

پایه اول: مذمت از دروغ‌گویی / وظیفه نسبت به پدر و مادر و اعضای خانواده / مضرات بی‌ادبی / تکلیف نسبت به اولیای مدرسه / محسنات راستی و درستی / تنفر از تنبلی و بیکاری ...
پایه دوم: تنفر از عیب‌گویی و عیب‌جویی / عفو و اغماض / خوش‌رویی و خوش‌خلقی / مردم‌آزاری

پایه سوم: جوانمردی / حسن خلق / شجاعت / تواضع / تکبر / کذب / قناعت / اسراف / عدل / ظلم / عفو / امانت / حب وطن ...

پایه چهارم: تعاون و اخوت / عفت / پرهیزگاری / حسد و بخل / کتمان سرّ و حفظ آبرو / وفای به عهد / خودپسندی / خست / انفاق / نفاق / احسان / اتهام و ...

پایه پنجم: وظایف نسبت به باری تعالی / وظایف نسبت به خود / وظایف نسبت به وطن / پرهیزگاری / شرافت / نجابت / سخاوت / امانت / آداب معاشرت / تکالیف نسبت به رفتار در مدرسه و ...

پایه ششم: تکالیف اجتماعی / فداکاری در راه دین / اطاعت از قوانین / رعایت آزادی دیگران / انصاف / وفای به عهد / ثبات رأی / کاهلی / اهمال / وفای به عهد و ...

در سال‌های بعد در پایه‌های اول تا چهارم محتوای درس اخلاق این‌گونه تعریف شده است که همین مضامین اخلاقی به صورت متون و حکایت در درس فارسی ارائه گردد. مثلاً در برنامه تفصیلی مصوب سال ۱۳۱۶ برای پایه دوم در قرائت فارسی بخش مضامین اخلاقی چنین بیان شده است:

«قرائت قطعات منظوم اخلاقی مناسب با فهم طفل، حکایت و قطعات راجع به تنفر از عیب‌گویی / تصرف مال غیر / فوائد عفو و اغماض / محسنات خوش‌رویی و خوش‌خلقی و ...»

ملاحظه می‌شود همان مضامین به صورت متون نظم و نثر به درس فارسی الحاق شده است. همین شیوه در سال‌های بعد در درس قرائت فارسی مشاهده می‌شود مثلاً در برنامه تحصیلات ابتدایی مصوب سال ۱۳۱۹ علاوه بر تصویب محتوای درس اخلاق در ذیل درس فارسی نیز به خواندن قطعات نثر و نظم اخلاقی تأکید شده است و مضامین درس اخلاق در پایه‌های اول تا ششم در این مصوبه با اندکی تغییرات به این شرح بیان شده است.

پایه اول: عادات پسندیده، پاکیزگی، نظم/ وقت‌شناسی/ ادب/ اطاعت

پایه دوم: وظیفه نسبت به پدر و مادر/ وظیفه نسبت به اولیاء مدرسه/ راست‌گویی و ...

پایه سوم: قرائت قطعات نظم و نثر در حوزه فهم اطفال مانند وظایف در خانه/ وظایف نسبت به والدین/ اطلاعات/ احترام/ نمک‌شناسی و ...

پایه چهارم: قناعت/ اسراف/ زیان مسکرات و دخانیات/ احتراز از قمار/ فواید بازی و ورزش/ لزوم کار کردن/ کارهای دستی

به نظر می‌رسد فهرست مضامین درس اخلاق در این دوره کمی به‌روزتر شده و هم‌چنین مختصرتر شده است. نگاه سیاست‌گذاران در انتخاب محتوا و سر فصل‌ها واقع‌بینانه‌تر و متعادل‌تر شده است.

محتوای مشابه با اندکی تغییرات در مصوبه ۶۰۰ شورای عالی سال ۱۳۲۵ در برنامه تعلیمات دینی چهار سال اول ابتدایی دیده شده است. در این دوره برنامه اخلاق به درس تعلیمات دینی پیوسته است، مضامین اخلاقی در ذیل این درس آورده شده است مضامین مورد نظر تقریباً شبیه مضامین و محتوایی است که در سال قبل مورد توجه بوده است. جابه‌جایی برخی مفاهیم و ورود برخی مضامین جدید در برنامه تغییر اساسی در محتوا را به وجود نیاورده است. مگر این که کمی محتوای اخلاقی رنگ دینی به خود گرفته است. در مصوبه ۶۰۰ شورای عالی فرهنگ در تاریخ ۱۳۲۵ با عنوان برنامه تعلیمات دینی در چهار سال اول ابتدایی چنین آمده است که: «قسمت اخلاقی این برنامه نباید جدا از سایر قسمت‌ها تدریس شود». در تبصره ۳ مصوبه جلسه ۶۵۲ شورای عالی فرهنگ سال ۱۳۲۷ با عنوان «برنامه تعلیمات دینی در دوره ابتدایی» چنین نقل شده است «... مسائل اخلاقی باید از روی مبانی دینی و احادیث صحیح نوشته شود...» این تبصره نشان می‌دهد که نگاه دینی به اخلاق در این دوره بارز شده است و اخلاق به‌عنوان یک حوزه مشخص در تجارب تربیتی استقلال خود را حتی به لحاظ محتوای از دست داده و به

بررسی سیر تحولات برنامه درسی تربیت اخلاقی در ایران با ...

مضامین و درس دینی ملحق گردیده است البته این نکته هم قابل ذکر است که از ظرفیت مواد درسی دیگر همچون فارسی همچنان برای ارائه مضامین اخلاقی استفاده شده است. شاهد این مدعا برنامه تفصیلی چهارساله ابتدایی مصوب جلسه ۷۰۶ شورای عالی فرهنگ در سال ۱۳۲۸ است که در ذیل درس فارسی همچنان به وجود قطعات نظم و نثر فارسی اخلاقی در متون قرائت فارسی تأکید کرده است.

مصوبه شورای عالی فرهنگ در سال ۱۳۴۲ با عنوان «برنامه تفصیلی چهار سال اول ابتدایی» حاکی از آن است که رویکرد الحاق محتوای درس اخلاق به درس دینی در سال‌های بعد نیز تداوم داشته است. در این مصوبه در محتوای درس دینی هر پایه بخشی با عنوان «تلقین اخلاقیات در دستورهای دینی» وجود دارد. شیوه ادغام و الحاق محتوای تربیت اخلاقی به ماده درسی و کتاب تعلیمات دینی از این سال به بعد به صورت یک سنت دیرپا درآمده و شواهد نشان می‌دهد که تاکنون نیز (بعد از انقلاب اسلامی به ویژه) محتوای تربیت اخلاقی (با وجود اهداف مستقل و متمایز اخلاقی در مجموعه اهداف کلی نظام تربیت رسمی و عمومی و حتی اهداف دوره دبستانی و دوره راهنمایی و دوره دبیرستان) بیشتر در کتاب دینی جلوه داشته است. در برنامه تربیت اسلامی دوره ابتدایی یعنی کتاب‌های «هدیه‌های آسمان» واحدهای درسی و بخش ویژه‌ای با عنوان اخلاق در نظر گرفته شده است که در آن مضامین اخلاقی با استفاده از داستان‌های و پرسش‌ها و حکایات با خمیرمایه دینی طرح و بحث شده است. (امین خندقی، سعیدی رضوانی، ۱۳۹۱)

همین روال در دوره‌های بعدی نیز در جریان است. یزدانی، حسینی (۱۳۸۹) در تحقیق خود نشان داد که در راهنمای برنامه درسی دینی در دوره ابتدایی و راهنمایی (نه در کتاب درسی^۱) بیشترین پوشش را به اهداف اخلاقی مصوب شورای عالی دو دوره به نسبت دروس دیگر داده است. البته میزان این پوشش حداکثر ۳۰٪ اهداف تربیت اخلاقی می‌باشد. توجه بیشتر در کتاب‌های دینی به مضامین اخلاقی به ویژه بعد از انقلاب با توجه به رویکردی که در بالا در بخش اهداف بیان شده امری طبیعی است زیرا در اهداف تربیت اخلاقی که در سند کلیات نظام

۱. توضیح این‌که طبق روند موجود در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی در مرحله اول برای هر برنامه درسی راهنمای برنامه درسی تهیه و تصویب می‌شود. سپس بر اساس آن کتاب درسی و راهنمای معلم و کتاب کار دانش‌آموز نوشته می‌شود. این تحقیق بر روی اهداف مورد توجه در راهنمای برنامه‌های درسی متمرکز بوده است نه محتوای کتاب‌های درسی

آموزش و پرورش آمده مضامین دینی و اخلاقی در کنار هم با عنوان اهداف تربیت اخلاقی بیان شده است و این نشان از نوعی نگاه به ساحت اخلاق را دارد نگاهی که از اندراج تربیت اخلاقی در تربیت دینی حکایت دارد. از منظر طرح ارزش‌های اخلاقی ماده درسی مطالعات اجتماعی و فارسی در دو دوره راهنمایی و ابتدایی در رتبه بعدی قرار دارند. البته با میزان کمتر. این تحقیق هم چنین نشان داد که برخی اهداف اخلاقی در این دو دوره در برنامه‌های درسی مغفول مانده است.^۱

این نسبت یعنی پیوستگی محتوای درس تربیت اخلاقی با کتاب تعلیمات دینی در دوره‌های مختلف، به معنای عدم بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیگر مواد درسی نیست شواهد قبل و بعد از انقلاب نشان می‌دهد درس‌های چون ادبیات کم و بیش مباحث و مضامین اخلاقی را در محتوای خود داشته و طرح کرده‌اند. رامین فرد (۱۳۵۲) محمودی (۱۳۷۳) اسماعیلی (۱۳۷۸) اقبال (۱۳۶۲) جمالی زاده (۱۳۸۵) یزدانی، حسنی (۱۳۸۹) نیز در بررسی خود این موضوع را نشان داده‌اند که راهنمای برنامه‌های درسی درس‌های دیگری چون مطالعات اجتماعی و فارسی (اگر چه با شدت و کمیت کمتر) اهداف تربیت اخلاقی مصوب شورای عالی آموزش و پرورش را مورد توجه قرار داده‌اند.^۲ به‌طور کلی سیر تحولات در مؤلفه محتوای برنامه درسی اخلاق نشان می‌دهد که از منظر ارائه محتوا سیاست‌گذاران تربیتی در دوره آغازین محتوای برنامه درسی اخلاق را به‌صورت متراکم در یک ماده درسی ارائه می‌داده‌اند و اندک اندک به سمت سیاست انتشار محتوا (ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی) در مواد درسی مختلف روی آورده‌اند. در سازمان‌دهی و انتخاب محتوا هر چند نشانه‌های کم‌رنگی از رعایت اصل «از ساده به مشکل» دیده می‌شود. چنین مفاهیم اخلاقی در پیام‌های دوره ابتدایی این تصور را ایجاد می‌کند که سیاست‌گذار چنین اصلی را مد نظر داشته است در برخی توصیه‌های روشی دیده می‌شود که تناسب با سطح فکری دانش آموزان مورد توجه سیاست‌گذاران بوده است. مثلاً در مصوبه جلسه

۱. البته از آنجا که این پژوهش به اهداف مندرج در راهنمای برنامه درسی بسنده کرده است. این پرسش مطرح می‌گردد که آیا محتوای کتاب‌های درسی هم‌چنین است.

۲. بیان این نکته در اینجا مهم است که از دهه چهل به بعد برنامه درسی خاصی به‌جز چند جدول مواد بررسی به شورا ارائه نشده است (حسینی روح‌الامینی، ۱۳۸۴) به نظر می‌رسد که وزارت آموزش و پرورش بخشی را فعال کرده است که برنامه‌ریزان شاید دقیق‌تر بتوان گفت مؤلفین کتاب، رأساً کتاب‌های درسی را تولید و سامان‌دهی می‌کرده‌اند.

بررسی سیر تحولات برنامه درسی تربیت اخلاقی در ایران با ...

۶۰۰ شورای عالی فرهنگ مورخ ۱۳۲۵ در تدوین برنامه تعلیمات دینی اشاره شده است که نکات اخلاقی متناسب با فهم اطفال باشد. در همین مصوبه در بخش دیگر آن چنین آمده است که «آیات از حیث معنی و مفهوم نزدیک به قوه طفل باشد»؛ اما از چگونگی تناسب سخنی به میان نیامده است. گو این که این جریان به عهده معلمان گذاشته شده است. اما به توجه به اصول روانشناسی امروزی می توان گفت محتوای در مجموع در سطح رشد شناختی دانش آموزان نبوده و بیشتر به نمایشگاه مفاهیم اخلاقی شباهت دارد. این وضعیت در سال های بعد روبه بهبودی رفته است. اما از منظر حجم محتوا سیر تحولات حاکی از محدود شدن این محتوا را دارد. مقایسه جدول وسعت و توالی برنامه درسی تربیت اسلامی در بخش اخلاق با محتوای سال های قبل نشان می دهد که محتوا محدودتر شده است.

اما نکته مهم تر این است که سیاست انتشار و تلفیق محتوای ماده درسی اخلاق در مواد درسی دیگر بدون نظم و برنامه صورت گرفته است. یعنی سندی وجود ندارد که در طرح و سازمان دهی محتوای تربیت اخلاقی در بین دروس مختلف نشان دهد که هماهنگی و وحدت رویه ایجاد شده باشد. فقدان وجود نظم و هماهنگی در طرح مضامین اخلاقی در مواد درسی مختلف یک از مشکلات موجود در برنامه درسی تربیت اخلاقی است. در واقع یکی از لوازم سیاست انتشار وجود یک هماهنگی بین مواد درسی مختلف است که تا کنون در نظام برنامه-ریزی درسی ایران به آن توجه نشده است.

روش تدریس در برنامه درسی تربیت اخلاقی

منظور از روش مجموعه تجویزاتی است که در مصوبات شورا ناظر به چگونگی درگیر شدن معلم و دانش آموز در تجارب تربیتی با هدف تربیت اخلاقی است. البته گاه روش تدریس توسع معنایی می یابد و روش های آموزشی را نیز در بر می گیرد. روش های آموزشی نیز ناظر به نظام پاداش و تشویق ها در کلاس و مدرسه، رویه های انضباطی و مانند این ها نیز می شود (سانگر و اُسگاتورپ، ۲۰۰۵). درباره مؤلفه روش تدریس در برنامه تربیت اخلاقی در مصوبات شورای عالی از گذشته ها نکات جالب توجهی به چشم می خورد؛ که تأمل و بررسی آن خالی از سودمندی و آموزندگی نیست. شورا کمتر مستقیماً و صریحاً با عنوان روش قاعده ای را تصویب

کرده است. اما در لابلای مصوبات توصیه‌ها و تجویزهای روشی به چشم می‌خورد. در اینجا به بیان این توصیه‌ها می‌پردازیم و سپس تحلیلی از آن ارائه می‌گردد.

در تبصره اول مصوبه جلسه ۳۵۹ شورای عالی معارف سال ۱۳۱۶ توصیه روش جالبی بیان شده است که می‌تواند حاکی از یک رویکرد آموزشی باشد در این تبصره چنین آمده است: «تعلیمات سال اول به‌جز فارسی که کتاب الفبا و قرائت لازم دارد همه شفاهی است و نباید از روی کتاب باشد مواد مذکوره برنامه را آموزگار باید در ضمن مذاکرات و صحبت شفاهی به کودکان بیاموزد... و کتاب را برای یادآوری و استفاده ذهنی تخصیص دهد.»

در بند «ب» مصوبه جلسه ۱۰۴۱ شورای عالی فرهنگ سال ۱۳۴۱ شمسی با عنوان اهداف دوره ابتدایی این توصیه روشی ذکر گردیده است که تربیت دینی و هدایت ملکات اخلاقی... از طریق توجه دادن او به این‌که مراعات عادات پسندیده از قبیل ادب و دقت و همکاری با دیگران و پاکیزگی و اطاعت از والدین و احترام به هم‌نوع و نظایر آن‌ها برای زندگی بهتر ضرورت دارد در مصوبه جلسه ۳۵۹ شورای عالی معارف سال ۱۳۱۶ با عنوان «اهداف درس» چند نکته روشی در زمینه تربیت اخلاقی وجود دارد. نخست تبصره‌ای است که در ذیل درس فارسی چنین توصیه‌ای به مؤلفین گوشزد شده است: «تعلیمات اخلاقی باید ضمن حکایات دل‌چسب و کودکانه به اطفال تعلیم شود نه صورت موعظه صرف و امر و نهی» هم‌چنین ذیل عنوان درس اخلاق به‌جای تعریف اهداف درس توصیه روشی بیان شده است این توصیه چنین است «آموزگار باید در تعلیم اخلاق بدین نکته متوجه باشد که نوآموزان رفتار و گفتار آنان را سرمشق زندگانی قرار می‌دهند و عادات و اخلاق ایشان را خواه ناخواه فرا می‌گیرند؛ و بدین جهت لازم است که متعلمین از گفتار و رفتار ناپسند در کلاس و بیرون کلاس اجتناب کند و مرتکب کاری که منافی اصول و اخلاق و آداب باشد نشوند و روش خود را چنان مهذب و مطابق اخلاق نمایند که اطفال دبستان از روی ضرورت صاحب خلق حسن و آداب مستحسن شوند...»

در مصوبه جلسات ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ شورای عالی معارف با عنوان «دستور تحصیلات دوره ابتدایی سال ۱۳۰۲» چند نکته روشی برای تدریس وجود دارد که سیاست‌گذار به‌طورکلی و عام متذکر شده است و لذا شامل درس اخلاق نیز می‌شود. در پایه‌های اول تا سوم معلمان از «کتاب زدگی» پرهیز داده شده‌اند و تأکید شده است مواد پروگرام جز فارسی باید شفاهی باشد و در ضمن مذاکرات و صحبت صورت گیرد و از این‌که دانش‌آموزان عبارت‌های

بررسی سیر تحولات برنامه درسی تربیت اخلاقی در ایران با ...

کتاب‌ها را حفظ کنند خودداری کنند. ظاهراً حافظه‌گرایی به‌عنوان یک چالش در آن دوران وجود داشته است. در همین مصوبه ذیل عنوان درسی اخلاق از اصطلاح «مکالمات اخلاقی» استفاده شده است و ذیل آن در یک عبارت تبصره‌گونه تأکید شده است: «تعلیمات فوق باید شفاهی و به‌طور مکالمه و قصه‌سرایی و موعظه و تمثیلات باشد»

در مصوبه جلسه ۴۲۰ شورای عالی فرهنگ سال ۱۳۱۹ با عنوان «برنامه تحصیلات ابتدایی» ذیل عنوان ماده درسی اخلاق ضمن برشمردن چند مضمون به‌عنوان محتوای درس اخلاق بیان شده است که این مضامین و موضوعات اخلاقی به‌وسیله مکالمات ساده، قصه‌های اخلاقی و تمرینات عملی طرح و مورد بحث قرار گیرند. در همین مصوبه ذیل محتوا درس اخلاق پایه دوم باز یک توصیه روشی بعد از بیان چند موضوع اخلاقی به این شرح آمده است. «... به‌وسیله قرائت و بیان حکایت‌های ساده و بازی‌های اخلاقی.» مشابه همین توصیه‌ها در مصوبات ۱۳۲۸ نیز مشاهده می‌شود.

در مصوبه سال ۱۳۳۲ شورای عالی با عنوان «برنامه تفصیلی چهار سال ابتدایی» ذیل ماده درسی دینی و بخش اخلاق آن بهره‌گیری از داستان‌ها و قصص کوتاه و قابل فهم کودکان تأکید شده است. بررسی این توصیه‌های روشی در اسناد شورای عالی تا دهه چهل حاکی از آن است که سیاست‌گذار نگران آن بوده است که آموزه‌های اخلاقی از طریق حفظ کردن محتوای تعریف شده صورت گیرد لذا از همان آغاز بر این تأکید می‌کرده‌اند که محتوای مواد درسی به‌صورت شفاهی ارائه شود؛ و از استفاده از کتاب در برخی دروس مانند اخلاق از تولید کتاب اخلاق پرهیز داده می‌شد.

استفاده از اصطلاح «مکالمات اخلاقی» که ناظر به مفهوم گفت و گو است رویکردی جالب و در زمان خود موقی بوده است. اما در مورد چگونگی مدیریت گفت‌وگوهای اخلاقی بحث نشده است. حتی در عصر حاضر هم می‌توان گفت که روش گفتگو در طرح مباحث اخلاقی به‌ندرت مهارتی رایج و شایع در میان معلمان است. در کنار این روش اجتناب از کتاب-محوری و حافظه‌گرایی نیز از مسایل مهمی است که سیاست‌گذاران در طول سال‌ها دنبال کرده‌اند. اما ظاهراً بعدها ناگزیر از تولید کتاب شده است.

نکته دیگر که در تجویزات روشی شورای عالی آموزش و پرورش برای درس تربیت اخلاقی وجود دارد موضوع بازی‌های اخلاقی و تمرینات عملی است بیان این روش نیز به ابهام

برگزار شده است و روشن نیست بازی‌های اخلاقی چه نوع بازی‌های هستند که در آن مضامین اخلاقی در تجربه دانش‌آموزان قرار گیرد. به هر صورت وجود مفهوم «بازی» و «تمرینات عملی» حاکی از رویکرد فعال به روش تدریس در تربیت اخلاقی است. باز اینجا مشخص نیست که تا چه میزان معلمان از این توصیه‌های روشی در فرایند مدیریت یادگیری و یاددهی خود بهره گرفته‌اند. در برنامه درسی تربیت دینی دوره ابتدایی مصوب جلسه ۷۳۵ مورخ ۸۵/۴/۲۷ شورای عالی آموزش و پرورش بر استفاده از روش‌های فعال مانند پرسش و پاسخ بحث و گفتگو و روش‌های غیرمستقیم در آموزش اخلاق تأکید شد است.

نکته مهم دیگری که در زمینه روش تدریس وجود دارد و به‌نوعی نیز در بحث سازمان‌دهی و ارائه محتوا نیز موضوعیت پیدا می‌کند تأکید مستمر بر بهره‌گیری از داستان و ادبیات برای طرح مضامین اخلاقی است. یعنی رویکرد **تربیت اخلاقی مبتنی بر ادبیات**^۱ بر این اساس به معلمان توصیه شده است. مضامین اخلاقی در قالب داستان و قطعات نظم و نثر متناسب با سطح فکری کودکان ارائه شود. به نظر می‌رسد که در سال‌های اولیه حیات شورا این فرصت و مسئولیت به معلمان داده شده است که خود دست به انتخاب محتوا بزنند و آن را ارائه دهند.

این رویکرد در ادبیات غنی فارسی، رویکردی جاافتاده و باسابقه است. آثار ادبی ارزشمندی چون کلیله و دمنه، بوستان و گلستان سعدی، مثنوی معنوی و مانند این‌ها از نمونه بارزی از این رویکرد هستند. طبیعی است که از آن رویکرد در فضای تربت رسمی و عمومی استفاده شود. با وجود اشکال مختلف ارائه مضامین اخلاقی در نظام آموزشی ایران (ارائه به عنوان درس مستقل، منظم شده به درس فارسی و یا دینی) این رویکرد نیز به مستمراً مورد توجه بوده است. البته در صورتی که مباحث اخلاقی در چهار چوب برنامه درسی تربیت دینی ارائه شود بیشتر بر منابع و متون دینی تأکید می‌شود. مانند برنامه تفصیلی چهار سال اول ابتدایی مصوب شورای عالی فرهنگ سال ۱۳۴۲ بخش برنامه تفصیلی تربیت و تعلیم دینی. بررسی محتوای کتاب جدید دینی در دوره ابتدایی هم نشان می‌دهد که در ارائه مضامین اخلاقی از حکایت‌ها و داستان‌ها بهره گرفته می‌شود. لذا می‌توان گفت که این روش، روش مقبول و جا افتاده‌ای در نظام تربیت رسمی و عمومی ایران است.

روش ارزشیابی پیشرفت تحصیلی

طبق سنت موجود در مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، آیین‌نامه ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به صورت مستقل تصویب و ابلاغ می‌شود. طبق سنت موجود در نظام تربیت رسمی و عمومی ایران، ارزشیابی تحصیلی امری یکسان و مشابه در تمامی دروس بوده است و در طول سال‌ها اصول اساسی آن تغییر نکرده است. در طول سال‌های فعالیت شورای عالی آموزش و پرورش از سال‌های پایانی قرن سیزدهم تا دهه هفتاد و هشتاد قرن چهاردهم در دوره ابتدایی تعداد زیادی آیین‌نامه برای ارزشیابی تصویب شده است (شهبازی، ۱۳۸۲) که با وجود برخی تغییرات ظاهری، اصول و مبنای یکسانی داشته‌اند به‌طور کلی ارزشیابی تحصیلی در همه درس‌ها متکی بر آزمون‌های پایانی و عمده‌ا کتبی با روش نمره‌گذاری کمی در دامنه صفر تا بیست صورت گرفته است. برای ارتقاء پایه، ملاک‌ها، حد نصاب‌های در درس‌ها و معدل همه درس‌ها تعریف شده است. بدون کسب این نمرات دانش‌آموز اجازه ارتقا به پایه بالاتر را نداشته است. در مصوبات دهه هشتاد خورشیدی این رویکرد نسبت به ارزشیابی درس‌های ارزشی مانند قرآن و هدیه‌های آسمان در دوره دبستانی تغییر کرده است. در مصوبه جلسه ۶۶۸ شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۸۰/۹/۱ چنین آمده است: «ارزشیابی پیشرفت دانش‌آموزان در برنامه آموزش قرآن در پایه‌های اول و دوم دبستان فرآیندمحور و شامل گزارشی توصیفی از عملکرد دانش‌آموز و چگونگی یادگیری او باشد.» (تارنمای شورای عالی آموزش و پرورش^۱، تاریخ استخراج ۹۱/۱۱/۱۷) طبق این تغییرات روش‌های فرایندی و بازخوردهای کیفی مورد نظر قرار گرفته است. یا در راهنمای برنامه درسی تربیت اسلامی دوره ابتدایی در بخش ارزشیابی آن چنین آمده است: «ارزشیابی این درس، کیفیت‌نگر است؛ یعنی تغییرات کیفی درک و فهم و نیز نگرش‌های دانش‌آموزان، مشاهده و ثبت می‌شوند.... بدین ترتیب در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی هدیه‌های آسمان فعالیت‌ی به نام امتحان وجود ندارد.» (تارنمای دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی^۲، تاریخ استخراج ۹۱/۱۱/۱۵)

به‌طور کلی در طول سالیانی که از مصوبه اول شورای عالی معارف درباره چگونگی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌گذرد ملاحظات ناظر به روش ارزشیابی نسبت

1. <http://www.sce.ir>

2. <http://dini-dept.talif.sch.ir/guid-eb.htm>

به تمامی دروس اطلاق داشته است. میزان یادگیری دانش آموزان در همه دروس می‌بایست طبق دستورالعمل‌های تعریف شده ارزشیابی گردد. در شرایطی که درس اخلاق یا مضامین ناظر به تربیت اخلاقی با درس دیگر تلفیق شده باشد این حکم نیز درباره اخلاق نیز صادق است. اما در سال‌های اولیه قرن حاضر که ماده درسی خاصی برای تربیت اخلاقی در کتاب دبستان‌ها وجود داشت برای این درس سازوکار ارزشیابی کمی موجود در نظر گرفته نمی‌شد. عدم وجود ماده درسی اخلاق در فهرست مواد درسی که در آیین‌نامه امتحانات آن زمان مانند نظام‌نامه امتحانات رسمی مصوب سی و یکمین جلسه شورای عالی معارف سال ۱۳۰۲ شمسی و نظام‌نامه امتحانات مصوب صد و بیست و دومین جلسه شورای عالی معارف سال ۱۳۰۷ نظام‌نامه امتحانات نهایی مدارس ابتدایی و متوسطه ذکور و اناث مصوب صد و شصتمین جلسه شورای عالی معارف سال ۱۳۰۸ (شهبازی، ۱۳۸۲) بیان‌گر این موضوع است که ظاهراً سیاست‌گذار به دلیل همین ماهیت ویژه این درس آن را از ارزشیابی کمی معاف کرده است. باوجود این شرایط، چنین به نظر می‌رسد که در آن دوران ماده درسی اخلاق از فرایند ارزشیابی معاف بوده است با عنایت به برخی توصیه‌های روشی که در بالا به آن‌ها اشاره شد. احتمالاً سیاست‌گذار برای گریز از چالش حافظه‌گرایی در درس تربیت اخلاقی و محدود نکردن آن به محتوایی برای حفظ کردن و نمره گرفتن، این درس را از ارزشیابی کمی رایج آن روزگار معاف کرده است. در سال‌های اخیر همچنان که در مورد درس قرآن و هدیه‌های آسمان در سطور پیش اشاره شد نیز چنین رویکردی را می‌بینیم. به‌گونه‌ای که نمره‌گذاری کمی در این درس‌های مطرح نبوده است. با وجود این، وقتی محتوای برنامه درسی اخلاق بین مواد درسی مختلف منتشر شد ارزشیابی از بخش اخلاقی این مواد تابع الگوی ارزشیابی رایج شد.

نتیجه‌گیری و بحث

در یک تحلیل کلی می‌توان در خصوص برنامه درسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران به چنین محورهایی اشاره نمود.

نخست این‌که از آغاز تأسیس نظام نوین آموزشی در ایران و ایجاد مدرسه به سبک جدید تربیت اخلاقی از کارکردهای مورد انتظار از مدرسه بوده است. این انتظار به صورت ضمنی و یا صریح در ادبیات مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش دیده می‌شود.

بررسی سیر تحولات برنامه درسی تربیت اخلاقی در ایران با ...

در اهداف دوره ابتدایی مصوبه ۱۰۴۲ شورای عالی فرهنگ سال ۱۳۴۱ نشان از فاصله گرفتن از شیوه توصیه‌ای دیده می‌شود. در این مصوبه آمده است که برای توجیه پای بندی به ارزش‌های اخلاقی لازم است چنین توجیه شود که این ارزش‌ها برای زندگی بهتر در جامعه ضرورت دارد. در این بند از اهداف بر رویکردی برای توجیه و مستدل کردن ارزش‌ها اشاره شده است. هرچند این پرسش قابل طرح است که تا چه میزان این شیوه در برنامه‌های درسی برای تربیت اخلاقی مورد استفاده قرار گرفته است که پاسخ به آن بررسی عمیق‌تری را طلب می‌کند.

یکی از خصوصیات اهداف تربیتی در این است که اهداف هم‌سطح رابطه هم‌عرضی باهم داشته و نسبت به هم دارای استقلال باشند. هم‌پوشانی و اندراج از مشکلات منطقی اهداف هم‌سطح صورت‌بندی شده است. به‌ویژه در اهداف مصوب اخیر برای تربیت اخلاقی اشتراک حوزه معنایی و هم‌پوشانی معنایی در برخی از اهداف به چشم می‌خورد برای مثال: «شجاعت و صبوری» با «امیدواری و عدم ترس از مشکلات» یا «مؤدب بودن» با «استفاده از کلمات محبت‌آمیز و دوستانه در ارتباط با دیگران» تشابه معنایی دیده می‌شود درحالی که هر یک به عنوان هدف مستقلی در نظر گرفته شده است.

موضوع دیگر درهم‌آمیختگی اهداف تربیت اخلاقی با تربیت دینی است. بر اساس شواهد مطرح‌شده (صرف‌نظر از برخی دوره‌های کوتاه و موقت که به درس ادبیات فارسی و اجتماعی ملحق شده است) این آمیختگی از دهه سی خورشیدی شروع و تاکنون ادامه داشته است. حتی در دوره‌هایی مانند دهه چهلیم خورشیدی ماده درسی تعلیمات دینی و اخلاق در بین فهرست مواد درسی دیده می‌شود. اگرچه ارتباط وثیقی بین دین و اخلاق وجود دارد که از موضوعات مسائل مورد بحث فیلسوفان بوده است بااین‌حال اخلاق در گستره تعلیم دینی خود موضوعیت دارد بخش عمده تعلیم دینی به اخلاق اختصاص داده شده است حتی با فرض اندراج تربیت اخلاقی در ساحت تربیت دینی در تعریف اهداف اخلاقی این استقلال نسبی می‌تواند مورد انتظار باشد. این درآمیختگی در اهداف تصویب‌شده در سند کلیات نظام آموزش و پرورش به چشم می‌خورد بر بی‌نظمی و آشفتگی در تربیت اخلاقی دامن می‌زند.

سال‌های متمادی نظام تربیت رسمی و عمومی بر وجود برنامه درسی ویژه و مستقل برای اخلاق اصرار و پافشاری کرده است. نشانه‌های آن در جدول برنامه‌های درسی مشاهده می‌شود.

یعنی رویکرد برنامه درسی مستقل^۱ در تربیت اخلاقی را دنبال کرده است. بر اساس این رویکرد یک برنامه درسی مستقل و جداگانه‌ای برای اهداف تربیت اخلاقی در نظام تربیت رسمی و عمومی تدوین و اجرا می‌شود. (حسینی و همکاران، ۱۳۹۱) شواهد نشان می‌دهد که امروزه نیز در جدول مواد درسی نظام‌های تربیت رسمی و عمومی برخی کشورها از جمله ژاپن، چین، کره عنوان درسی مستقلی به نام اخلاق دیده می‌شود. (یونسکو، ۲۰۱۱). روند تغییرات در مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران تربیتی از این الگو دست برداشته و محتوای اخلاقی مورد نظر به صورت وابسته و تلفیق شده با دروس دیگر ارائه شده است. یعنی از رویکرد تربیت اخلاقی مبتنی بر برنامه درسی مستقل به تربیت اخلاقی با رویکرد بین برنامه درسی^۲ گرایش پیدا کرده است. در رویکرد بین برنامه‌ای تربیت اخلاقی با استفاده از ظرفیت برنامه‌های درسی مختلف صورت می‌گیرد. بر اساس این رویکرد برنامه‌هایی مانند ریاضی، علوم، تاریخ جغرافیا و مانند این‌ها ظرفیت تربیت ارزشی را دارند و بر محمل محتوای این برنامه‌ها می‌توان ارزش‌هایی مطلوب جامعه را نیز به دانش‌آموزان آموخت. (حسینی، و همکاران ۱۳۹۱) شواهد نشان می‌دهد که در نظام برنامه‌ریزی درسی برخی کشورها مانند آمریکا و کانادا و استرالیا از رویکرد تلفیق ارزش‌های اخلاقی با دیگر درس‌ها مانند علوم بهره گرفته‌اند. (شعبانی، ۱۳۸۶) هم‌چنین در ترکیه و ژاپن نیز رویکرد تلفیق ارزش‌های اخلاقی با برنامه‌های درسی دیگر مورد توجه قرار گرفته است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۱).

در بررسی روند تحولات برنامه درسی تربیت اخلاقی در ایران این نکته آشکار می‌شود که چندین سال از درس فارسی و محتوای آن برای انتقال و بازنمایی ارزش‌های اخلاقی بهره گرفته است این روش در مصوبات مورد تأکید بوده است. اما از دهه چهل به بعد این مأموریت عمدتاً بر عهده درس تعلیمات دینی گذاشته شده است. (برنامه تفصیلی چهار سال اول ابتدایی، مصوبه سال ۱۳۴۱ شورای عالی فرهنگ) از آنجا که محتوای درس‌هایی چون شریعت و قرآن معطوف به آموزش قرائت قرآن و تعلیم احکام شرعی بوده است سیاست‌گذاران از ظرفیت دروس دیگر در این زمینه استفاده کرده‌اند. اما به مرور با حذف عنوان درسی شریعت و جایگزین شدن درس تعلیمات دینی به جای آن این درس نیز برای تربیت اخلاقی مناسب دیده شده است. شواهد

۱. Independed curriculum approach

۲. Cross curricula approach

بررسی سیر تحولات برنامه درسی تربیت اخلاقی در ایران با ...

حاکی از آن است این روند تاکنون ادامه داشته است و در شرایط کنونی نیز درس دینی متکفل ارائه بیشترین محتوای تعلیمات اخلاقی است. به گونه‌ای می‌توان گفت که اخلاق در بستر آموزشی دین و پس‌زمینه دین ارائه می‌شود. راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی دوره ابتدایی و متوسطه نشان می‌دهد که ارزش‌های اخلاقی از جمله اهداف مورد توجه برنامه ریزان بوده است. محتوای کتاب‌های درسی این دوره‌ها نیز حاکی از توجه به ارزش‌های اخلاقی است. (موسوی، حکیم زاده، ۱۳۸۷) (امین خندقی و سعیدی رضوانی ۱۳۸۹) (امین خندقی و سعیدی رضوانی، ۱۳۹۱) لذا در تشریح و بیان مضامین اخلاقی از منابع دینی، آیات قران، روایات و داستان‌های دینی بهره گرفته می‌شود. هرچند شواهد موجود نشان می‌دهد که دروس دیگر از جمله مطالعات اجتماعی و ادبیات فارسی بی‌توجه به مباحث اخلاقی نیستند. رامین فرد (۱۳۵۲) محمودی (۱۳۷۳) اسماعیلی (۱۳۷۸) اقبال (۱۳۶۲) جمالی زاده (۱۳۸۵) به‌طورکلی وجود مجموعه اهداف اخلاقی در فهرست اهداف کلان نظام تربیت رسمی و عمومی و اهداف تربیت اخلاقی در هر دوره تحصیلی که توسط شورای عالی تصویب شده است نیز دلیل دیگری بر وجود این رویکرد در نظام تربیت رسمی و عمومی ایران است. اما هیچ سازوکاری برای عملیاتی کردن این اهداف در برنامه درسی متنوع و متعدد دوره‌های تحصیلی وجود نداشته و این کار به‌صورت برنامه‌ریزی نشده و سازمان‌نیافته و بر اساس شناخت و درک برنامه ریزان انجام می‌گیرد. دلیل مهم برای اثبات فقدان سامان‌دهی در تحقق اهداف اخلاقی در برنامه‌های درسی این است که بخش قابل‌توجهی از اهداف تربیت اخلاقی در برنامه‌های درسی لحاظ نشده است و برخی برنامه‌های درسی به این موضوع کمتر یا اساساً توجهی نداشته‌اند (یزدانی، حسنی ۱۳۸۹). این واقعیت نشان می‌دهد داشتن فراب برنامه درسی تربیت اخلاقی در کشورهایی که رویکرد بین برنامه‌ای را در تربیت اخلاقی را دنبال می‌کنند، از جمله ایران، یک ضرورت است. هرچند برنامه درسی ملی می‌تواند نقش این فراب برنامه درسی تربیت اخلاقی را به‌خوبی ایفا نماید. اما ضرورت تدوین برنامه درسی مجازی یا فراب برنامه درسی تربیت اخلاقی کلاً نفی نمی‌شود. منظور از فراب برنامه درسی تربیت اخلاقی این است که مطالبات تربیت اخلاقی از منظر محتوا و روش و رویکرد از برنامه درسی تعریف و تجویز شود و نظام ارزش‌های اخلاقی به‌صورت سازماندهی شده و منطقی به‌صورت شبکه‌ای در هم تنیده در تمامی برنامه‌های درسی (مواد درسی) نمود یابد.

بهره‌گیری از منابع موجود ادبی فارسی در راستای بازنمایی ارزش‌های اخلاقی نیز از روال‌های رایج و سنت مستمر نظام آموزشی است. صرف‌نظر از این‌که در دوره‌ای عنوان درسی با نام فارسی و اخلاق وجود داشته است و تأکید بر این بوده که محتوای درس قرائت فارسی از حکایات اخلاقی سرشار گردد به‌عنوان یک‌رویه ثابت حتی در کنار و ماده درسی مستقل اخلاق هم تأکید بر استفاده از متون نظم و نثر و حکایات شیرین پارسی برای بیان آموزه‌های اخلاقی بوده است. این شواهد نشان می‌دهد که رویکرد تربیت اخلاقی مبتنی بر ادبیات رویکردی با سابقه در نظام آموزشی ایران است. این رویکرد یعنی بهره‌گیری از منابع ادبی برای تشریح و توضیح مضامین و آموزه‌های اخلاقی همیشه در یک نظام تربیت رسمی با ساختار ارتقایی سال / پایه با این چالش روبرو بوده است که محتوای تعریف شده (در اینجا منظور ارزش‌های اخلاقی و به‌طورکلی توصیه‌های اخلاقی) برای حفظ کردن و به‌خاطر سپردن استفاده شود و در آزمون‌های کتبی نمره لازم برای ارتقاء پایه را کسب نمایند. لذا سیاست‌گذاران نظام آموزشی در اوایل قرن حاضر با شناخت درست این خطر بر روش بهره‌گیری از مکالمات اخلاقی و گفتگو در درس اخلاقی اصرار داشته‌اند. (مصوبات جلسات ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰ و ۳۱ شورا عالی معارف در سال ۱۳۰۲، تبصره اول مصوبه ۳۵۹ شورا عالی معارف سال ۱۳۱۶، مصوبه جلسه ۴۲۰ شورای عالی معارف در سال ۱۳۱۹). همچنین در مصوبات شورای عالی از تمرینات عملی و بازی‌های اخلاقی به‌صورت مبهم نام برده شده است. حتی این‌که سیاست‌گذار در سال‌های ۱۳۰۲ این‌گونه تأکید کرده است که کتاب درسی خاصی برای این درس یا برخی دروس دیگر تدوین نشود، ناظر به همین دغدغه و برون‌رفت از چالش حافظه‌گرایی بوده است. چالشی که در سال‌های اخیر نیز در نظام آموزشی هنوز باقی است و برنامه‌ریزان درسی تلاش دارند با بهره‌گیری از روش‌های فعال تدریس زمینه‌های بروز این چالش را از بین ببرند!

الگوی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در نظام تربیت رسمی با شیوه ارتقا سال / پایه دارای چالش‌ها و مشکلات خاصی است به‌گونه‌ای که حتی آثار منفی بر تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دارد. پدیده تقلب از آن جمله‌اند در زمینه تربیت اخلاقی با چالش‌های ویژه‌ای نیز روبه‌رو

۱. البته وقتی درس مستقل تربیت اخلاقی حذف شده و به دروس دیگر الحاق شده است. این توصیه‌ها و تجویزات روشی نیز در محتوای اسناد حذف شده است.

بررسی سیر تحولات برنامه درسی تربیت اخلاقی در ایران با ...

می‌گردد. در حقیقت همان طور که کلبرگ تأکید می‌کند (به نقل از یوکسل^۱، ۲۰۰۵) در شکل اول فضای حاکم بر مدرسه یک فضای رقابتی و مسابقه‌ای است که به صورت پنهان بسیاری از آموزه‌های اخلاقی مثل صداقت و امانت‌داری را کم‌رنگ می‌کند

به‌طور کلی به نظر می‌رسد که نظام‌های تربیت رسمی که برای درس تربیت اخلاقی برنامه درسی مستقلی در نظر گرفته‌اند. در تعریف نوع سنجش و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان با یک معمای پیچیده روبرو هستند. از یک سو فرض بر این است که فعالیت‌ها و نتایج یادگیری دانش‌آموز در درس تربیت اخلاقی بر اساس میل و علاقه درونی باشد. زیرا غایت تربیت اخلاقی «فاعل مستقل اخلاقی»^۲ است. از این رو دادن نمره و مشروط شدن ارتقاء پایه دانش‌آموز به نمرات به‌دست‌آمده با ماهیت عمل اخلاقی در تعارض است. از دیگر سو رها کردن درس تربیت اخلاقی و ملاک نبودن نمره آن برای ارتقاء خطر گرفتار شدن درس به یک درس تجملی و تشریفاتی را در بردارد. از این رو درس تربیت اخلاقی به ماده درسی کم‌اهمیت برای دانش‌آموز تبدیل شد و بی‌علاقگی در مشارکت در فعالیت‌های یادگیری آن در پی خواهد داشت. این مشکل برای نظام تربیت رسمی و عمومی که رویکرد بین برنامه‌ای را برای تربیت اخلاقی انتخاب کرده است نیز وجود دارد چراکه محتوای تربیت اخلاقی در این رویکرد نیز بین برنامه‌های درسی منتشر شده است و در هر یک از درس‌ها برای ارتقا پایه مورد ارزشیابی قرار می‌گیرند به سخن دیگر مشکل اساسی در الگوی سنجش تربیت اخلاقی، تأثیر انگیزشی آن الگو است که بر یادگیری اخلاق و عمل اخلاقی تأثیر می‌گذارد. اصولاً نظام ارزشیابی تأثیر انگیزشی بر چگونه یادگیری دانش‌آموزان دارد. در فضای رقابتی و کسب امتیاز و نمره برای ارتقاء تحصیلی و کسب مدرک و به دنبال آن کسب موقعیت‌های اجتماعی مناسب شکلی از انگیزه یادگیری را به دانش‌آموزان می‌دهد که می‌توان انگیزش بیرونی نام نهاد. یعنی یادگیری برای موفقیت تحصیلی و کسب موقعیت اجتماعی. اما آیا در درس تربیت اخلاقی هم چنین فضای مناسب است یعنی این فضا و حاکمیت ارزش‌هایی این‌گونه، با ماهیت عمل اخلاقی و کسب فضایل اخلاقی تناسب دارد. اگر درس تربیت اخلاقی به انگیزه کسب نمره و ... صورت گیرد فعل اخلاقی آن سطحی خواهد بود یا یاد گرفته‌ها شاید به عمل نینجامد. زیرا پاداش آن از

۱. Yuksel, S.

۲. Moral agent

طریق نمره و ارتقاء تحصیلی کسب شده است. شاید به همین دلیل است که در دوره‌ای که در نظام تربیت رسمی و عمومی در ایران ماده درسی مستقلی برای اخلاق تدارک دیده شده است. در آیین‌نامه‌های ارزشیابی تحصیلی که هم‌زمان تصویب شده است درباره ارزشیابی از این درس ماده و دستورالعملی دیده نمی‌شود.

در مجموع، وجود مفاهیمی مانند: «عادات نیک»، «صفات پسندیده» «ملکات اخلاقی» در اسناد مربوط به اهداف نظام آموزشی هم‌چنین وجود فهرستی از فضایل و رذایل در زمره اهداف و محتوای برنامه‌ها نشان می‌دهد که رویکرد کلان نظام به سمت تربیت منش^۱ یا اخلاق فضیلت^۲ متمایل است. اما تمامی لوازم رویکرد تربیت اخلاقی منش در برنامه‌های درسی ایران به خوبی دیده نمی‌شود. از منظر هدف این‌گونه می‌نمایاند که لوازم هدفی برنامه تربیت اخلاقی منش در برنامه درسی ایران دیده می‌شود.

هدف اساسی تربیت منش این است که در انسان ویژگی‌های که برای زندگی لازم است ایجاد و تقویت گردد. انسان از طریق ایجاد و تقویت این ویژگی‌ها می‌تواند با آسایش بیشتری با سایر افراد جامعه زندگی کند. بنابراین هدف اساسی تربیت منش اخلاقی ایجاد و پرورش خصوصیتی است که با دارا بودن آن‌ها انسان بتواند فرد مفید برای خود و جامعه باشد (پیلچر^۳، ۲۰۰۳).

لیکونا^۴ تربیت منش را تلاش عمدی بر ای کمک به افراد جهت درک ارزش‌های اخلاقی اصیل، مراقبت از آن‌ها و عمل بر مبنای آن‌ها تعریف می‌کند (لیکونا، ۱۹۹۳) بر پایه این تعریف کل گرایانه، تربیت اخلاقی فرایندی همراه با دانش، احساس و عمل قلمداد می‌شود. بر اساس این تعریف شواهد نشان می‌دهد که برنامه درسی تربیت اخلاقی ایران بعد دانشی رویکرد تربیت اخلاقی منش را انتخاب و سازماندهی محتوا بسیار پررنگ و غلیظ دنبال کرده است. یعنی نگاهی محتوا مدار^۵ به تربیت اخلاقی به چشم می‌خورد. اما به ابعاد دیگر تربیت اخلاقی کمتر توجه شده است. شاهد این مدعا تأکید زیاد بر محتوا و پر کردن محتوا از مفاهیم ارزشی و اخلاقی است. از

۱. Character education

۲. Virtue Ethics

۳. Pilcher, C.

۴. Lickona, T.

5. Content based moral education

بررسی سیر تحولات برنامه درسی تربیت اخلاقی در ایران با ...

آنجا متون درسی پایه‌های مختلف در دوره‌ای تحصیلی قابلیت‌های بسیاری برای انتقال پیام‌های ارزشی دارد. لذا همیشه این کتاب‌ها مملو از تعالیم ارزشی بوده و هست. محتوای دروس مختلف محمل مناسبی برای ارائه ارزش‌های اخلاقی تلقی شده است. مصوبات مورد بررسی و برخی تحقیقات نشان داده است که توجه به محتوا برای آگاهی دانش‌آموزان از ارزش‌ها در نظام آموزشی برجستگی خاصی دارد.

بر این اساس در برنامه درسی تربیت اخلاقی، روش آموزش مستقیم بسیار برجسته و اکثر ارزش‌ها و مفاهیم به صورت مستقیم آموزش داده می‌شود. بر اساس نظر جمالی زاده (۱۳۸۵) ۵۷٪ مفاهیم اخلاقی و دینی کتاب‌های درسی دوره ابتدایی به صورت مستقیم آموزش داده شده است. لذا بیشتر به آموزش ارزش‌ها در سطح انتقال مفاهیم ارزشی و یادگیری این مفاهیم توجه شده است (جمالی‌زاده ۱۳۸۵). یعنی به سطوح پایین حیطه شناختی توجه بیشتر می‌شود. سبحانی‌نژاد (۱۳۷۹) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده است که در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی تأکید بر مسئولیت‌های دینی و اخلاقی از بعد شناختی مدنظر قرار گرفته است؛ اما روشن است که بعد احساس (تمایل و گرایش به ارزش‌ها) و عمل به آن‌ها به روشنی کمتر دیده می‌شود. و از این منظر برنامه‌های تربیت اخلاقی ایران ضعف جدی دارد.

آموزش ارزش‌ها را از طریق محتوای کتاب‌های درسی مختلف عمدتاً به روش مستقیم و در حیطه شناختی انجام می‌دهد. رویکردی که می‌توان کارکردش را با اطلاع‌رسانی ارزش‌ها مقایسه کرد که محصول آن می‌تواند حداقل آگاهی از ارزش‌های اخلاقی باشد. طالبی (۱۳۸۰) نشان داده است که نوجوانان تهرانی ارزش‌های اخلاقی مانند: صداقت (درستکاری، راست‌گویی) عفت و پاکدامنی می‌شناسند و آن‌ها را قبول دارند. بنابراین آگاهی دادن مستمر در طول سال‌های تحصیل در جریان محتوای کتاب‌های درسی، کم و بیش منجر به آگاهی از ارزش‌ها شده است.

آگاهی از خیر بی‌تردید یکی از مقدمات انجام فعل اخلاقی است ولی همه آن نیست. بنابراین کارکرد توجه به بعد شناختی در برنامه درسی آگاهاندن دانش‌آموزان از مجموعه‌ای از ارزش‌های اخلاقی است؛ اما اگر برنامه‌های درسی تنها به اطلاع‌رسانی ارزشی اکتفا کنند کارکردشان با نهادهای دیگر نمی‌تواند متفاوت باشد. نهادهایی مثل رسانه. لذا عملکرد برنامه‌های درسی باید عمیق‌تر از آگاهی بخشی باشد. این آگاهی باید عمق نیز داشته باشد. رویکرد مطلوب در برنامه‌های درسی تربیت اخلاقی محوریت و تأکید بر بازنمایی و آگاهی دادن از ارزش‌های

اخلاقی نیست بلکه نوعی مواجهه جلوه دادن آن‌ها نیز هست؛ یعنی دعوتی که در کتاب‌های درسی برای کشاندن کودکان به سوی عالم ارزش‌های اخلاقی صورت می‌گیرد. باید قابل دفاع و در سطح فهم کودک باشد. مواجهه با مصادیق ارزش‌ها در حیات اجتماعی و خانوادگی دلیل بر فهم و درک آن‌ها نیست و حتی از منظر رویکرد تربیت منش شکل‌گیری صفات پایدار اخلاقی است که از طریق عمل و در واقع وجود فرصت‌هایی برای عمل به فضیلت‌ها محقق می‌شود.

در زمینه آگاهی بخشی و درک ارزش‌ها به‌طورکلی تربیت اخلاقی باید با توانایی‌ها و ظرفیت‌های شناختی دانش‌آموزان تناسب داشته باشد. (کریمی، ۱۳۸۸) یعنی دانش‌آموزان قادر باشند مفاهیم و مضامین اخلاقی مباحث را درک و فهم کنند و مصادیق آن را در رخدادها و رویدادهای زندگی درک و فهم کنند. بر این اساس قادر باشند تصمیمات اخلاقی درستی را اتخاذ کنند. مشکل جدی که در این راستا وجود دارد آشفتگی در ارزش‌های ارائه شده در کتاب‌های درسی است. از تحلیل مجموع اسناد برمی‌آید که هیچ نظم و منطق توجیه شده‌ای در تربیت و توالی و وسعت طرح مضامین اخلاقی در محتوای درس‌ها دیده نمی‌شود. با وجود این‌که کم و بیش سیاست‌گذاران تلاش داشته‌اند مضامین و موضوعات اخلاقی از ساده به مشکل تنظیم شود اما این رویه در طول سال‌ها ثابت و مشخص نبوده است. مشاهده می‌شود انبوهی از مفاهیم و موضوعات اخلاقی در محتوای درس‌ها چیده شده‌اند که این چیدمان منطق خاصی نداشته است یا نظریه خاصی برای چینش آن‌ها در نظر گرفته نشده است. با توجه به وجود مفاهیم و مضامین پیچیده اخلاقی در محتوای کتاب‌های درسی دوره دبستان حتی این‌گونه استنباط می‌شود که توانایی‌های شناختی و سطح رشد دانش‌آموزان آن‌چنان مورد ملاحظه نبوده است. لذا می‌توان گفت تشویش و آشفتگی در طرح مباحث و مضامین اخلاقی در محتوا و اهداف نیز وجود دارد. یونسیان (۱۳۷۶) نیز در نتیجه‌گیری از تحقیق خود به این مشکل اشاره داشته است. فقدان وجود برنامه‌ای مدون برای ارائه و بازنمایی ارزش‌های اخلاقی در راستای تربیت اخلاقی با توجه به رویکرد بین برنامه‌ای در جریان این آشفتگی‌ها نمایان می‌گردد. برنامه درسی مختلف و کتاب‌های درسی آن‌ها بدون هماهنگی هریک مفاهیم و مقولات ارزش‌های اخلاقی را طرح می‌نمایند. در این ناهماهنگی برخی مقولات و مضامین ارزشی برجسته مغفول می‌ماند.

بی‌توجهی به ابعاد روانشناختی دانش‌آموزان در ارائه و آموزش ارزش‌ها، به معنای این است

بررسی سیر تحولات برنامه درسی تربیت اخلاقی در ایران با ...

که در گزینش و معرفی ارزش‌ها و حتی روش معرفی ارزش‌ها میزان رشد و آمادگی دانش‌آموزان در فهم درک آن‌ها کمتر شده است. به حال ارزش‌ها توجیه پذیرند یعنی برای دفاع از ارزش می‌توان توجیهاتی را صورت‌بندی نمود. این توجیحات هستند که به ارزش‌ها اعتبار می‌بخشد، بیان صرف یک ارزش و شناخت سطحی ذهنی آن کفایت نمی‌کند. آنچه مهم است فهم آن ارزش و درک توجیحات و پشتیبان آن است. از آنجا که کودکان در سطوحی از رشد هستند که به لحاظ شناختی قادر به درک برخی توجیحات نیستند. لذا طرح برخی ارزش‌ها شاید ضرورتی نداشته باشد.

منابع

احمد پور، مهدی و همکاران (۱۳۸۵) کتاب شناخت اخلاق اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

ارنشتاین، آلن. سی. و هانکینز، فرانسیس. پی. مبانی، اصول و مسائل برنامه درسی (ترجمه احقر ۱۳۸۴) تهران انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

امین خندقی، منصور؛ سعیدی رضوانی، محمود (۱۳۸۹) ارزشیابی از برنامه درسی تربیت اسلامی دوره متوسطه (دین و زندگی). موسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی.

امین خندقی، منصور؛ سعیدی رضوانی، محمود (۱۳۹۱) ارزشیابی از برنامه درسی تربیت اسلامی دوره ابتدایی (هدیه‌های آسمان). پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

اسماعیلی، رضا (۱۳۷۸). تحلیل محتوای کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی، چکیده قابل دسترسی در سایت www.irandoc.ac.ir

اقبال، فریماه (۱۳۶۳). بررسی محتوای کتاب‌های دوره پنج ساله ابتدایی در رابطه با ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی فرهنگی.

جمالی‌زاده، حکیمه. (۱۳۸۵). شناسایی و طبقه‌بندی آموزه‌ها و مفاهیم اخلاقی کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی، شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان کرمان.

حسینی، محمد و همکاران (۱۳۹۱) مدرسه و تربیت اخلاقی. تهران، انتشارات مدرسه.

حسین زاده، آذین (۱۳۸۴) ادبیات اخلاق‌گرای ایران و فرانسه، باوراندن یا مجاب کردن: روایت شناسی
گفتمان استدلالی در متون اخلاقی. پژوهش ادبیات معاصر جهان دوره ۱۰ شماره ۲۸

حسینی روح‌الامینی، جمیله‌السادات (۱۳۸۴) سیر تحول برنامه‌های درسی دوره ابتدایی و راهنمایی
تحصیلی در ایران، تهران: نورالثقلین

رامین فرد، راشل. (۱۳۵۲). تجزیه و تحلیل کتاب‌های فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران،
دانشکده علوم اجتماعی.

رینگر، ام، مونیکا. آموزش، دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار، ترجمه حقیقت خواه (۱۳۸۵).
تهران: انتشارات ققنوس

ستاد اجرایی تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش (۱۳۶۷) طرح کلیات نظام آموزش و پرورش ایران.
سبحانی‌نژاد، مهدی (۱۳۷۹). مسئولیت‌پذیری اجتماعی در برنامه درسی کنونی دوره ابتدایی و طرح
برای آینده، پایان‌نامه دکتری دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.

سعیدی رضوانی، محمود. (۱۳۸۶) بررسی وضع موجود تربیت دینی و اخلاقی دانش‌آموزان و ارزیابی
آن بر اساس مؤلفه‌های اصلی آموزش و پرورش، طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش.

شعبانی، زهرا (۱۳۸۴) بررسی تطبیقی برنامه‌های درسی دینی و اخلاقی دوره ابتدایی در ایران و چند
کشور جهان. فصل‌نامه تعلیم و تربیت شماره مسلسل ۸۳ تابستان ۱۳۸۴

شعبانی، زهرا (۱۳۸۶) بررسی برنامه‌های درسی تلفیقی علوم و مفاهیم اخلاقی در کشورهای آمریکا، کانادا
و استرالیا. مجله مدارس کارآمد. شماره دوم سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷

شهبازی، سید رحمت‌الله (۱۳۸۱) سیر تحول آیین نامه امتحانات از سال ۱۳۰۲ تا سال ۱۳۸۱ در نظام
آموزش و پرورش ایران. تهران وزارت آموزش و پرورش، دفتر ارزشیابی تحصیلی و تربیتی.

صافی، احمد. (۱۳۸۵) سازمان و قوانین آموزش و پرورش ایران. تهران: انتشارات سمت.

صدیق، عیسی. (۱۳۵۴) تاریخ فرهنگ ایران، تهران انتشارات دهخدا.

طالبی، ابوتراب (۱۳۸۰). بررسی تعارض بین ارزش‌های اخلاقی و کنش‌های اجتماعی دانش‌آموزان
منطقه ۱۵ و ۳ شهر تهران، پایان‌نامه دکتری دانشگاه تربیت مدرس.

کریمی عبدالعظیم (۱۳۸۸) مراحل شکل‌گیری اخلاق در کودک. تهران انتشارات عابد.

بررسی سیر تحولات برنامه درسی تربیت اخلاقی در ایران با ...

کهندانی، مصطفی (۱۳۸۸) تاریخ تطور و تحول شورای عالی آموزش و پرورش ۱۲۷۵ تا ۱۳۸۸ هجری شمسی. تهران انتشارات نورالثقلین.

محمودی، رضا (۱۳۷۳). ارزیابی محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و ارایه یک چهارچوب نظری در خصوص تدوین و اصلاح کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی، رساله دکتری علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم.

موسوی، سید امین و حکیم زاده، رضوان (۱۳۸۷) آموزش ارزش‌ها در محتوای کتاب‌های درسی دینی دوره راهنمایی: بررسی وضعیت موجود و ارائه راهکارهایی برای وضعیت مطلوب، نشریه مطالعات برنامه درسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

میالاره، گاستون. معنا و حدود علوم تربیتی. ترجمه علی محمد کارادان (۱۳۷۰) تهران انتشارات دانشگاه تهران.

نیکلس، اردی و هاوارد، راهنمای عملی برنامه‌ریزی درسی ترجمه دهقان (۱۳۷۷) تهران انتشارات قدیانی. نژاد شفیعی محبوبه (۱۳۸۹) تحلیل محتوای کتاب‌های دین و زندگی دوره متوسطه. شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان کرمان.

نقیب زاده میر عبدالحسین (۱۳۷۲) درآمدی به فلسفه، تهران: طهوری.

یزدانی، جواد، حسنی محمد (۱۳۸۸) مقایسه اهداف مصوب شورای عالی آموزش و پرورش و اهداف برنامه‌های درسی دوره ابتدایی و راهنمایی، مجله نوآوری‌های آموزشی،

یونسیان، مجید (۱۳۷۶). آموزش، توسعه و انگیزه موفقیت، تحلیل محتوای کتاب‌های درسی ابتدایی، چکیده قابل دسترسی در سایت www.irandoc.ac.ir

Ghourchian, G.nader.(2000)the first international terminology of curriculum as referential dictionary.tehran Andishe metacognition publication.

Lickona, Thomas (1993) the return of character education, educationalladership,vol 51,n3

- pilcher, C. (2003) **A study of the Implementation of character education, learning environment and school performance scores in selected parishes in Louisiana**, Louisiana Tech University
- Poukka, p. (2011) **Moral education in the Japanese primary school curricular Revision at the turn of twenty- first century.**, University of Helsinki, Faculty of Behavioral Sciences, Research report, 323.
- Sanger, M. & Osguthorpe (2005) **Making sense of approaches to moral education.** Journal of moral education. Vol.34 No.1
- Unesco (2011) **world data on education.** 7th edition.
- Yuksel, S. (2005) **kholberg and hidden curriculum in moral education: an opportunity for student acquisition of moral values in new Turkish primary education curriculum.** Educational science: theory & practice. 5(2) November

